



رضا استادی

پرو، نگاه علوم
پرتال جامع علوم انسانی

حضرت آیت الله آخوند ملا حبیب الله کاشانی

(رضوان الله علیه)

نام: حبیب الله الشریف^۱ الکاشارنی و سجج خاتمش: یا حبیب قلوب العارفین.
 پدر: ملا علی مدد بن رمضان ساوجی (تاریخ تولد او معلوم نیست، متوفای ۱۲۷۰ق).
 شرح حال پدر: در اوائل بلوغ برای تحصیل علوم دینی از زادگاه خود شهر ساوه به
 قزوین می‌رود و با جدیت و کوشش درس می‌خواند و سالها از درس سید ابراهیم
 قزوینی (صاحب ضوابط و دلائل الاحکام و متوفای ۱۲۶۲ق) استفاده می‌کند.^۲
 سپس برای بهره بردن از درس ملا احمد نراقی (صاحب معراج السعاده و متوفای
 ۱۲۴۵ق) که آن روزها آوازه فضل و علم او همه جا را پر کرده بود به کاشان هجرت
 می‌نماید. اما پس از چندی از درس فاضل نراقی منصرف شده و به درس سید محمد تقی
 پشت مشهدی کاشانی (مؤلف رساله حجیة المظنة و متوفای ۱۲۵۸ق و فرزند میر
 عبدالحی بن سید ابراهیم بن سید ماجد بن سید ابراهیم کاشانی) حاضر می‌شود.
 در این ایام ملا علی مدد خود مجلس درس داشته و توجه یکی از اکابر و محترمان
 کاشان یعنی مرحوم میر محمد علی جدّ اعلاّی آیت الله حاج سید ابوالقاسم کاشانی را به
 خود جلب می‌کند به حدّی که آن مرحوم در محله چهل دختران کاشان منزلی برایش
 می‌سازد و فرزندش حاج سید حسین کاشانی و عدّه‌ای دیگر از طلاب از درس فقه و
 اصول او استفاده می‌کنند.
 سپس ملا علی مدد با حاج سید حسین به حوزه اصفهان می‌روند و در اصفهان
 ظاهراً در درس کسی حاضر نمی‌شود و آنگاه با هم به عتبات عالیات رفته و به کاشان
 مراجعت می‌کنند.

پس از مراجعت به کاشان مرحوم ملا علی مدد سالها فقه و اصول تدریس می‌کرد

و مسجد و امامت جماعت داشت و به سؤالهای فقهی مراجعان پاسخ می‌داد و یکی از علمای فاضل کاشان به شمار می‌آمد.

برخی از بزرگان ساوه متوجه شدند که ملا علی مدد ساوجی در کاشان به موقعیت و عظمتی رسیده است پیش خود گفتند مناسب است این بزرگوار که اصلاً ساوجی است در ساوه باشد. از این رو گروهی از آنان به کاشان رفته و درخواست خود را مطرح نموده و با اصرار زیاد موافقت ایشان را جلب کرده و ایشان را به ساوه بردند.

مرحوم ملا علی مدد با اینکه از جوانی به درجه اجتهاد رسیده و اهل فضل بود اما به گرفتن اجازه اجتهاد اهمیتی نمی‌داد و از هیچ کس اجازه نگرفته بود. هنگامی که به ساوه رفت گروهی از عوام الناس به تحریک برخی از خواص غیر مذهب الاخلاق از او خواستند که اجازه اجتهاد خود را ارائه دهد از این رو مجبور شد از ملا مهدی بن ملا مهدی نراقی^۳ (متوفای ۱۲۶۸ق و مدفون در نزدیکی مقبره علی بن بابویه در قم) اجازه اجتهاد و روایت بگیرد تا مغرضان را ساکت نماید.

این عالم جلیل از این تاریخ تا پایان عمر در ساوه بود و مردم از وجود با برکت او بهره‌مند بودند و در سال ۱۲۷۰ق همانجا از دنیا رفت. جنازه او را به قم حمل کرده بین مقبره علی بن بابویه که یکی از زیارتگاههای قم است و مقبره ملا مهدی نراقی سابق الذکر به خاک سپرده شد.

از تألیفات اوست:

- ۱ - شرح ارشاد الاذهان علامه حلّی. بخشی از کتاب طهارت را در دو جلد نگاشته و نسخه آن نزد فرزندش ملا حبیب الله بوده است.
- ۲ - کتابی در رؤوس مسائل فقهیه
- ۳ - رساله در اشتراط قبض در وقف انسانی و مطالعات فقهی
- ۴ - رساله در حجیت ظن
- ۵ - رساله در اصل براءت
- ۶ - رساله در استصحاب
- ۷ - رساله شکیه یا جامع الاحکام که در ۲۵۸ صفحه وزیری به همت نواده او حاج آقا محمد شریف چاپ شده است.
- ۸ - رساله‌های دیگر در فقه و اصول. در فهرست کتابخانه ملا حبیب الله آمده:

سه مجلد در اصول از مرحوم والد ماجد [نزد ما است].
نواده او حضرت آقای امامت در کتاب تذکرة الشعرا گوید: ملا علی مدد شاعر هم بوده، اما از شعر او چیزی در دست نیست.

از ملا علی مدد غیر از ملا حبیب الله فرزند دیگری به نام ملا محمد تقی می‌شناسیم که ساکن ساوه بوده و در سال ۱۳۳۸ ق (یعنی دو سال قبل از وفات ملا حبیب الله) وفات یافته و در قبرستان شیخان قم نزدیک قبر میرزای قمی به خاک سپرده شده است.^۴

مادر ملا حبیب الله صبیّه مرحوم میرزا حبیب الله معروف به میرزا بابا حسینی نظنزی فرزند میرزا رفیع الدین از شاگردان حاج ملا احمد نراقی بوده است. و هنگام هجرت ملا علی مدد به ساوه همراه او نرفته و با فرزندش حبیب الله که در آن تاریخ پنج ساله بوده در کاشان مانده است و اداره امور این کودک را به عهده داشته است. مرحوم ملا حبیب الله فرموده است:^۵ و جد مادریم، میرزا رفیع الدین حسینی نظنزی نام داشت که از علماء افاضل بوده و از تألیفات او فقط به کتابی در علم منطق اطلاع یافته‌ام^۶ و نیز فرموده است: با میرزا ابوالحسن کاشانی معروف به مجتهد که از شاگردان ملا احمد نراقی و میرزای قمی است و رساله‌ای در حجیت مظنه دارد از طرف مادر قرابت دارم.^۷

تاریخ تولد

مادرش گفته: دو سال قبل از مرگ محمد شاه قاجار به دنیا آمده است و سال مرگ محمد شاه ۱۲۶۴ ق است.^۸

خود ملا حبیب الله در لباب الالقباب فرماید: هشت یا نه ساله بودم که پدرم در ساوه از دنیا رفت و سال وفات پدرش ۱۲۷۰ ق است.

بنابراین تاریخ تولد او ۱۲۶۱ یا ۱۲۶۲ ق می‌باشد و روز و ماه و تاریخ دقیق آن در دست نیست. به آغاز وصیت نامه در پایان همین مقاله رجوع شود.

تحصیل

در کاشان، و سپس در تهران، و آنگاه در کربلا، و پس از مراجعت از عتبات به کاشان، مدتی در گلپایگان بوده، و پس از آن تا پایان عمر در کاشان به تدریس و تألیف و هدایت مردم اشتغال داشته است.

استادان

۱ - حاج سید حسین بن میر محمد علی بن حاج سید رضا کاشانی متوفای ۱۲۹۶ ق در تهران (جدّ آیت الله حاج سید ابوالقاسم کاشانی متوفای ۱۳۸۱ ق).

این عالم بزرگ از سید محمد تقی بن مؤمن قزوینی^۱ متوفای ۱۲۷۰ ق اجازه‌ای - مورخ ۱۲۶۷ ق - و از ملا مهدی بن ملا مهدی نراقی اجازه‌ای - به تاریخ ۱۲۶۲ ق - دارد که هر دو اجازه حاکی از فضل و بزرگواری او است.^۲

مرحوم ملا حبیب الله فرماید: پنج ساله بودم که پدرم به ساوه رفت و مرحومه والده ام به مساعدت این سید بزرگوار اداره امور مرا به عهده داشتند و چون هشت یا نه ساله شدم پدرم در ساوه از دنیا رفت و من به تشویق این سید بزرگوار با اشتیاق فراوان به تحصیل علم پرداختم به طوری که تا چهارده سالگی صرف و نحو و مقدمات را به پایان بردم و به درس فقه و اصول مرحوم میر محمد علی و همین آقای بزرگوار حاضر شدم و در شانزده سالگی اجازه روایت و در هیجده سالگی اجازه اجتهاد به من داد.^۳

مرحوم ملا حبیب الله می‌افزاید: او از شاگردان پدرم بود و در سفر و حضر با او بود (در سفر به اصفهان و عتبات همراه ملا علی مدد بود) به خاطر حقوقی که پدرم بر او داشت و به خاطر رضای خدا، از پنج سالگی تا سالهای متمادی امور معاش و معاد مرا به عهده داشت و: «کان لی ابرو ارف من والد کریم» و مرا به تحصیل و تألیف و تصنیف تشویق می‌نمود و وسائل تحصیل مرا فراهم می‌آورد.^۴

۲ - حاج میر محمد علی بن سید محمد کاشانی متوفای ۱۲۹۴ق و شاگرد سید ابراهیم قزوینی (مؤلف ضوابط الاصول و نتائج الافکار) و صاحب این تألیفات:
۱ - تکمیل الاحکام فی شرح المختصر النافع. نسخه خطی آن نزد ملا حبیب الله بوده است.

۲ - شرح نتائج الافکار استادش

۳ - شرح تشریح الافلاک شیخ بهانی

۴ - رساله‌هایی در اصول فقه.

آن مرحوم از این اعظم اجازه دارد:

ملا مهدی بن ملا مهدی نراقی اجازه‌ای مورخ ۱۲۶۰ق.

شیخ زین العابدین مازندرانی اجازه‌ای مورخ ۱۲۷۶ق (این اجازه را پس از ملاحظه یکی از تألیفات او نوشته است).

شیخ قاسم بن شیخ محمد مؤلف کنز الاحکام فی شرح شرائع الاسلام در نه جلد.
سید اسماعیل بهبهانی اجازه‌ای مورخ ۱۲۸۳ق (این اجازه را پس از ملاحظه یکی از تألیفات او نوشته است).

حاج ملا علی کنی متوفای ۱۳۰۶ق، و مؤلف توضیح المقال فی علم الرجال و قضاء و شهادات و غیره.

و حاج ملا محمد فرزند حاج ملا احمد نراقی متوفای ۱۲۹۷ق و مؤلف مشارق الاحکام و غیره.

مرحوم ملا حبیب الله در جوانی نزد این استاد، فقه و اصول خوانده و داماد ایشان هم بوده است.^{۳۳}

۳ - حاج ملا محمد اندرمانی^{۳۴} تهرانی متوفای ۱۲۸۲ق

اعتماد السلطنه می‌نویسد: ملا میرزا محمد اندرمانی تهرانی از درجه نخستین مجتهدین بود و به بسط ید و نفاذ امر و قبول کلمه امتیازی بین داشت و از این جهت مدرسه فخریه (مروی) طهران مدت‌ها به دست وی بود.

الحق مشارالیه انعم الله برضوانه علیه در ترویج شرع و اغاثه ملهوفین و قضاء حاجات مسلمانان و فصل خصومات از روی قوانین اسلام و موازین مذهب حق، به عمر خود کوتاهی نکرد و غالباً بر کافه علمای دار الخلافه (طهران) ریاست و تقدم داشت

نورالله مرقدہ»^{۱۵}

ملا حبیب الله فرماید: دو سال در درس او حاضر شدم خوش بیان و خوش تقریر بود: «كان مليح التقرير وحسن التحرير جميل الظاهر ذا المناقب والمفاخر» و بخشی از فرائد شیخ انصاری را نزد او خواندم.^{۱۶}

۴ - میرزا ابوالقاسم کلانتر مؤلف مطارح الانظار (تقریرات درس اصول شیخ انصاری) و متوفای ۱۲۹۲ق.

ملا حبیب الله يك سال قسمتی از فرائد شیخ انصاری را در تهران نزد ایشان خوانده است. مرحوم کلانتر بیست سال از درس شیخ انصاری رحمه الله استفاده کرده و چند نوبت شیخ انصاری به اجتهاد او تصریح نموده است، ایشان در سال ۱۲۷۷ق به طهران آمده و تا آخر عمر در همانجا بوده و قبر شریفش و همینطور قبر فرزندش حاج میرزا ابوالفضل مؤلف کتاب ارزشمند شفاء الصدور در حضرت عبدالعظیم در مقبره شیخ ابوالفتوح رازی است.^{۱۷}

۵ - شیخ محمد بن محمد علی خواهرزاده صاحب فصول و صاحب حاشیه معالم. در «المآثر و الآثار» آمده: آقا شیخ محمد اصفهانی الاصل تهرانی السکنی، همشیره زاده شیخ محمد تقی اصولی صاحب الحاشیه است. کتاب فصول شیخ محمد حسین و کتاب شرح لمعه را کسی مثل او تدریس نمی کرد اعلی الله مقامه.^{۱۸} و در پایان بحث مفهوم و صف کتاب هدایة المسترشدين (حاشیه معالم) نسخه چاپی آمده است: و قد بقى منه ره بعض مسائل متفرقة الى الاجتهاد و التقليد تقرب عشرين الف بيت، جمعها بعد وفاته الفاضل المحقق ابن اخته الشيخ محمد سلمه الله و ادام عزه و جعلها جلداً آخر ثالث المجلدات.^{۱۹} مرحوم ملا حبیب الله، بخشی از فصول را نزد این بزرگوار خوانده است.

۶ - حاج ملا هادی مدرس طهرانی در المآثر و الآثار ص ۱۵۰ می نویسد: محققى جليل القدر و مجتهدى عظيم الشأن بود کافه افاضل دار الخلافه بر وی تلمذ می کردند غالباً فصول را در علم اصول عنوان قرار می داد و ریاض را در فقه. و در عصر آن بزرگوار تحصیل علوم شرعیه در تهران بر وجه اکمل ممکن بود و بعد از وی آن رونق نماند و آن رواج برفت.

اشتهارش به مدرس از آن بود که در اواسط عمر مدتی در مدرسه حاج محمد

حسینخان مروزی فخر الدوله (مدرسه مروی) تدریس می‌فرمود. وی در سال ۱۲۹۵ق رحلت نمود اعلی الله مقامه.

ملا حبیب الله نزد ایشان بخشی از قوانین میرزای قمی را خوانده است.

۷- شیخ حسین بن محمد اسماعیل بن ابی طالب اردکانی حائری معروف به فاضل اردکانی متولد ۱۲۳۵ق و متوفای ۱۳۰۲ یا ۱۳۰۵ق.

وی در آغاز نزد عمویش شیخ محمد تقی اردکانی^{۲۰} تلمذ و سپس به عتبات مشرف و از محضر درس شریف العلماء بهره‌مند شده و از اعظام فقهای آن دوره به شمار می‌آمده است.

ملا حبیب الله پس از تحصیل در تهران به عتبات می‌رود که در این تاریخ شیخ انصاری رحلت کرده بوده، از این رو در کربلا چندی از درس فاضل اردکانی استفاده می‌کند و به کاشان مراجعت می‌نماید در این تاریخ ملا حبیب الله حدود بیست سال داشته است.

۸- ملا حبیب الله در لباب الالقباب گوید: چندی در تهران از درس حکمت یکی از بزرگان شاگردان حاج ملا هادی سبزواری استفاده کردم.^{۲۱} به نظر می‌رسد منظور ایشان حاج میرزا حسین سبزواری استاد هیدجی (صاحب حاشیه بر شرح منظومه سبزواری) است.

حضرت آقای سها در تاریخ حکما و عرفا می‌نویسد: حکماء اربعه غالباً اطلاق می‌شود به آقا محمد رضا قمشه‌ای، و آقا علی مدرس، و آقا میرزا ابوالحسن جلوه، و آقا میرزا حسین سبزواری از تلامذ حاجی سبزواری قدس الله اسرارهم اجمعین که هر چهار در تهران بوده‌اند و معاصر هم.

و نیز در معرفی شاگردان حاجی سبزواری می‌نویسد: و میرزا حسین سبزواری مقیم تهران مدرسه عبدالله خان واقع به بازار بزازان... استاد آخوند هیدجی.^{۲۲}

۹- ملا زین العابدین گلپایگانی متوفای ۱۲۸۹ق و شاگرد شیخ محمد تقی صاحب حاشیه معالم و برادرش صاحب فصول و صاحب جواهر.

وی تألیفاتی دارد از جمله شرح دره بحر العلوم، و بحث صلاة مسافر و صلاة جمعه را در هزار بیت به عنوان تکمیل دره بحر العلوم به نظم در آورده است.^{۲۳}

در المآثر و الآثار گوید: وی مجتهدی فحل و مرجع جمیع اهل فضل بود و در

جنب فقاہت و علو درجه اجتهاد وی، کلیه افاضل این دوران و مجتهدین دیار ایران خود را خرد می‌شمردند. بعضی از علما او را در دوازده فن صاحب رأی و مقام اجتهاد می‌دانند، و گروهی در حق این بزرگوار به مکاشفه و خوارق عادت معتقدند.^{۲۲}

مرحوم ملا حبیب الله پس از مراجعت از عتبات به کاشان به عشق استفاده از این عالم بزرگ به گلپایگان می‌رود ولی در این تاریخ آن بزرگوار تدریس نداشته و مرحوم ملا حبیب الله چندی به طور متفرقه (و نه از راه درس خواندن رسمی) از او بهره‌ها می‌برد رحمة الله علیهما.

۱۰ - حاج ملا عبدالهادی طهرانی مدرس مدرسه مروی تهران.

او حاشیه قوانین داشته و ملا حبیب الله نزد او مقداری از کتاب فصول را خوانده است.^{۲۵}

در برخی از شرح حال‌هایی که برای مرحوم ملا حبیب الله نوشته‌اند مرحوم سید الحکما سید علی شرف الدین مرعشی جدّ آیت الله مرعشی نجفی و متوفای ۱۳۱۶ق، و صاحب کتاب قانون الصلاح در طب که چاپ شده است را یکی از اساتید او دانسته‌اند. اما برای نویسنده این سطور، این مطلب روشن نیست و مدرکی برای آن به نظر نرسیده، و با مطالبی که در شرح حال سید الحکماء در کتاب ریحانة الادب خیابانی^{۲۴} و فهرست مؤلفین کتب چاپی مشار آمده و نیز چاپ کتاب طبی او در سال ۱۲۷۰ق، و بودن او در تبریز... هم‌آهنگ نیست. و شاید این مطلب (یعنی شاگردی ملا حبیب الله نزد سید الحکماء) را آیت الله نجفی مرعشی گفته باشند. در هر صورت نیاز به تحقیق بیشتر دارد. این بود اسامی و شرح حال کوتاهی از ده نفر از اساتید مرحوم ملا حبیب الله کاشانی. و روشن است استادانی با این عظمت و مهارت، در ساختار وجودی و علمی آن مرحوم تأثیر بسزایی داشته، و گرچه مدت زمان این دوران تحصیلی طولانی نبوده^{۲۷} اما زمینه مستعد از طرف شاگرد و افاضه بی دریغ از طرف استادان کاری کرده است که این نوجوان، در چند سال، راه ده‌ها سال را بپیماید و هنگامی که در حدود سال ۱۲۸۲ق در کاشان استقرار یافت فاضلی مطلع و مدرسی توانا باشد، و در طول حدود شصت سال (یعنی تا سال ۱۳۴۰ق که رحلت ایشان بوده) مشغول کارهای علمی و تألیف و تدریس باشد.

برخی از شاگردان او

۱ - سید محمد علوی بروجردی متولد ۱۲۷۲ق و متوفای ۱۳۶۲ق و مدفون در کاشان در جوار مقبره ملا محسن فیض کاشانی.

وی از علمای بزرگ کاشان و دارای تألیفاتی است به این شرح:

- ۱ - منظومه فقهیه،
- ۲ - الفیه در معانی بیان،
- ۳ - الفیه در علم نحو،
- ۴ - حاشیه بر شرح کبیر،
- ۵ - حاشیه بر کفایة الاصول آخوند خراسانی،
- ۶ - حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری،
- ۷ - حاشیه بر وسیلة الاخوان ملا حبیب الله کاشانی (رساله عملیه)،
- ۸ - حاشیه بر ذخیره العباد آخوند خراسانی (رساله عملیه)،
- ۹ - منظومه عاشوریه در مراثی،
- ۱۰ - اشعار فارسی و عربی.

از این آثار شماره‌های ۷ و ۸ و ۹ به چاپ رسیده است.^{۲۸}

۲ - میر سید خلیل الله حسینی فقیه متولد ۱۳۰۶ق و متوفای ۱۳۹۰ق و مدفون در امام زاده سلطان امیر احمد کاشان. وی تحصیل خود را در کاشان و سپس نجف اشرف به پایان رساند و در ۱۳۳۲ق (بیست و شش سالگی) از استادش ملا حبیب الله کاشانی اجازه اجتهاد گرفت.

این عالم بزرگ پس از دوران تحصیل که پایانش سال ۱۳۳۹ق بود حدود پنجاه سال به کارهای علمی و تدریس و هدایت مردم مشغول بود.^{۲۹}

۳ - میرزا احمد عاملی فرزند ملا محمد علی آرنی متولد ۱۲۷۹ق و متوفای ۱۳۶۹ق و مدفون در جوار بقعه امام زاده محمد هلال آران. وی پس از رحلت پدرش تا پایان عمر در آران کاشان مشغول ترویج و تألیف بود

و برخی از تألیفات او در کتابخانه امام زاده محمد هلال موجود است.
از تألیفات اوست:

- ۱ - سبیل الجنان (رساله عملیه فارسی) که چاپ شده است.
 - ۲ - نهج الرشاد فی شرح الارشاد. (شرح ارشاد الازهان علامه حلی است).
 - ۳ - شرح منظومه خلاصه الاصول.
 - ۴ - رساله فی الخمر و العصیر
 - ۵ - رساله فی حکم ماء البئر.
- و رساله‌های متعدد دیگر در فقه و اصول.^{۳۰}
- ۴ - سید محمد حسین رضوی متولد ۱۲۹۱ ق و متوفای ۱۳۸۶ ق و مدفون در جوار بقعه چهل تن نزدیک دروازه فین کاشان.
- وی از شاگردان آخوند خراسانی صاحب کفایه و سید محمد کاظم یزدی صاحب عروة الوثقی نیز بوده و از علمای بزرگ کاشان است و تألیفاتی دارد که برخی از آنها به این شرح است:

- ۱ - الاصول المعتبرة در اصول فقه، در سال ۱۳۸۳ ق چاپ شده است.
 - ۲ - حاشیه شرح شمسیه منطق.
 - ۳ - اسکندریه در علم نحو.
 - ۴ - حاشیه شرح شافیه رضی در صرف.
 - ۵ - رساله در حرمت نماز جمعه در زمان غیبت.
 - ۶ - العندیل در علم رجال و تراجم است که در آن استاد خود ملا حبیب را هم یاد کرده است.
 - ۷ - حاشیه شرح کافی رضی در نحو.
 - ۸ - قواعد الاحکام.
 - ۹ - خدمات اسلام به جامعه بشر.
 - ۱۰ - الجواهرات فی بعض العلوم و المشكلات.^{۳۱}
- ۵ - شیخ محمد سلیمانی متولد ۱۲۹۰ ق و متوفای ۱۳۸۷ ق.
- ایشان امام جماعت مسجد بالا بازار کاشان بود و از تألیفات ایشان است منظومه فقهیه عربی.^{۳۲}

نگارنده این سطور در آغاز تحصیل در مسجد ایشان و ظاهراً حضور ایشان منبری رفت تا اگر مورد پسند باشد به یکی از روستاها اعزام شود که در نتیجه مرا به قالهر کاشان فرستادند.

۶- ملا عبد الرسول مدنی کاشانی متولد ۱۲۸۰ق و متوفای ۱۳۶۶ق و مدفون در جوار بقعه پنجه شاه کاشان.

او از شاگردان میرزا فخر الدین نراقی (صاحب شرح قواعد علامه و منظومه فقهیه فریده الاحکام) و سید محمد کاظم یزدی طباطبائی (صاحب عروه) و ملا حبیب الله کاشانی بوده است.

تالیفات فراوانی دارد برخی از آنها به این شرح است:

۱- فوائد المتکلمین در پنج جلد. يك جلد آن چاپ شده است.

۲- رد بایبه و بهانیه.

۳- آب حیات در شرح دعای سمات.

۴- رساله انصافیه در مشروطیت.

۵- مفتاح النجاح فی شرح دعاء الصباح.

۶- تذکره حضرت سلطانعلی مشهد اردهال.

۷- حجابیه.

۸- شرح بر صحیفه سیجادیه.

۹- تاریخ وهابیه.

۱۰- رساله در جبر و تفویض و تناسخ.

کتابهای تا شماره هفت به چاپ رسیده است.

رساله انصافیه را که به توصیه استادش ملا حبیب الله نوشته و با مقدمه ایشان

چاپ شده بیانگر توجه دقیق او به مسائل سیاسی و اجتماعی است و حاوی نکات ارزنده و آموزنده است.^{۳۳}

و اخیراً کتابی هم به نام «تاریخ اشرار کاشان» از تالیفات ایشان چاپ شده که

خواندنی است.

۷- حاج شیخ محمد غروی کاشانی متولد ۱۳۱۳ق در کاشان و متوفای ۱۳۹۸ق

در تهران.

پدرش حاج محمد حسین نطنزی از علمای بزرگ کاشان متوفای ۱۳۲۲ق و جدش حاج ملا احمد نطنزی داماد ملا احمد نراقی است.

او پس از خواندن مقدمات و ادبیات از درس پدرش، و درس ملا حبیب الله کاشانی استفاده کرده و آنگاه به نجف مشرف شد و از درس آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء الدین عراقی و حاج میرزا حسین نائینی استفاده و سپس به کاشان مراجعت کرده و در آنجا به تدریس و وظائف روحانی پرداخت و پس از آن به تهران عزیمت کرد و در آنجا ملا ذو معاذی بود برای اهل ایمان و اهل فضل و علما و از ویژگیهای آن مرحوم غیرت دینی و مبارزه با منکرات و ستمگران بود رحمة الله علیه.^{۳۳}

۸ - حاج سید فخرالدین امامت، متولد حدود ۱۲۹۲ق و متوفای ۱۳۹۳ق و مدفون در جوار مقبره یکی از نوادگان حضرت موسی بن جعفر جنب فلکه کمال الملک کاشان.

پدرش سید محمد مهدی امام از علما و ائمه جماعت کاشان بود، سطح فقه و اصول را نزد دو عمویش: آقا سید محمد حسن امام و آقا سید محمد حسین امام و نیز نزد حاج ملا محمد حسین نطنزی خواند، آنگاه تا سال ۱۳۴۰ق که سال رحلت ملا حبیب الله است از محضر او استفاده کرد و سپس عازم حوزه علمیه قم و از درس حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمة الله علیه بهره برد و سپس به کاشان مراجعه و تا پایان عمر مشغول تدریس و تألیف و ارشاد مردم و اقامه جماعت در مدرسه سلطانیه کاشان بود. برخی از تألیفات او از این قرار است:

۱ - هدایة العوام (رساله عملیه).

۲ - راه نجات (منظومه فارسی).

۳ - راه خدا شناسی، فارسی.

۴ - وسیلة النجاة فی فضائل السادات، فارسی.

۵ - نواب الزیارات، فارسی.

این پنج کتاب چاپ شده است.

۶ - رساله در مصرف سهم امام.

۷ - حاشیه بر شرایع محقق.

۸ - حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری.

۹ - دیوان اشعار. تخلص او «صهر سالک» بوده. سالک تخلص ملا حبیب الله و

ایشان داماد او بوده است.

۱۰ - شرح منظومه ملا حبیب الله در علم اصول فقه که نامش (منیة الاصول فی الاصول) است.^{۳۵}

۹ - حاج آقا رضا مدنی کاشانی متولد ۱۳۲۱ق و متوفای ۱۴۱۲ق و مدفون در مقبره پدرش ملا عبدالرسول مدنی جنب بقعه پنجه شاه کاشان.

ایشان که از مراجع تقلید به شمار می آمد از شاگردان حاج شیخ عبدالکریم یزدی و جدش ملا حبیب الله کاشانی است و تألیفات فراوانی دارد که برخی از آنها به این شرح است:

۱ - تعلیقه بر خیارات مکاسب شیخ انصاری (تقریرات بحث حاج شیخ عبدالکریم یزدی).

۲ - براهین الحج در چهار جلد.

۳ - کتاب القصاص.

۴ - کتاب الديات.

۵ - كشف الاستار عن حکم المغرب و الاستتار.

۶ - فرائض المقلدین (رساله عملیه).

۷ - رساله فی حکم التیمم لضیق الوقت و عدم دلیل علیه مع وجود الماء عنده.

۸ - کتاب الخلافة در اثبات امامت امیرمؤمنان - علیه السلام -.

۹ - رساله در اصول مذهب تشیع.

۱۰ - مناسک حج.

تمام این کتابها چاپ شده است.^{۳۶}

۱۰ - میر سید علی یثربی متولد ۱۳۱۱ق در سامراء و متوفای ۱۳۷۹ق و مدفون

در امام زاده حبیب بن موسی کاشان.

وی از اعظام فقها و علما و مدرسان درس خارج عصر اخیر بود و در جوانی (یعنی قبل از بیست سالگی و قبل از ورود به حوزه نجف) که در کاشان سطح فقه و اصول می خوانده از درس ملا حبیب الله استفاده کرده است.^{۳۷} شرح حال این بزرگوار را در مجله نورعلم شماره ۱۹ ببینید.

۱۱ - مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقا تراب والد ماجد آیت الله امامی کاشانی.

از ایشان نقل شده که برنامه استاد چنین بود: «صبح‌ها اول اذان صبح در مسجد حاضر بودند بعد از نماز صبح دعای صباح را می‌خواندند بعد از دعا قبل از طلوع آفتاب ما برای درس خدمتشان می‌رسیدیم. گاهی که اتفاق می‌افتاد و دیر می‌رسیدیم استاد را مشغول نوشتن و تألیف می‌دیدیم».

اینطور از فرصت‌ها استفاده می‌کردند که توانستند این همه آثار قلمی از خویش به یادگار بگذارند.

۱۲ - آیت الله میرزا حسین محلاتی استاد آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی نیز از شاگردان ملا حبیب الله کاشانی بوده است.

از ایشان نقل شده که آخوند ملا حبیب الله از رفت و آمد با حکومتیان آن روز امتناع می‌کرد و در تألیفات خود و دیباچه‌های آنها از ایشان تمجید و ستایش نمی‌کرد. (با اینکه این کار در آن زمان رسم بود).

تلمذ این دو نفر و مطالب یاد شده از نوشته یکی از نوادگان ملا حبیب الله نقل شده و العهدة علیه.^{۳۸}

تألیفات ملا حبیب الله

- ۱ - آداب يوم الجمعة و الاعیاد الشریفة. به رساله در اعیاد شرعیه رجوع شود.
- ۲ - احسن التراتیب فی نظم درر المکاتیب. کتابی است عرفانی دارای بیست و چهار باب، شرح مکاتیب قطب الدین انصاری خزرچی سعدی خرقانی کوشکناری از عرفای اهل تسنن است متن آن عربی و شرح فارسی است در ۱۶۱ صفحه از روی خط مؤلف در سال ۱۳۹۴ ق چاپ شده است.
- ۳ - الارث = رساله فی الارث.
- ۴ - اسرار الانبیاء، ترجمه الجواهر السنیه شیخ حرّ عاملی است. به خط حاج آقا محمد شریف فرزند مؤلف چاپ شده است.
- ۵ - اسرار حسینیه. در مقدمه آن گوید: چون شهادت حضرت ابی عبدالله الحسین

روحنا و روح العالمين فداء مبتنى بود بر اساس محبت الهیه، لهذا ذکر نمودم در این رساله وجیزه... جمله مختصره از اصول محبت و عشق را بر وفق قوانین شرعی و متفرع نمودن بر آن جمله‌ای از مطالبی که تعلق دارد به آن مظلوم و پاره‌ای از نکات مصائب وارده بر آن امام معصوم....

این رساله شامل ۱۴ فصل است و یک بار در سال ۱۳۲۹ق و بار دوم در سال ۱۳۸۰ق در ۲۴ صفحه رقی چاپ شده است.^{۳۹}

۶ - اسرار العارفين در اخلاق و معارف.

۷ - اصطلاحات اصحاب الجفر.

۸ - اصطلاحات الصوفية=مقدمة السلوك في اصطلاحات الصوفية.

۹ - الاستصحاب=رسالة في الاستصحاب.

۱۰ - اصل البراءة=رسالة مبسوطه في البراءة و الاحتياط.

۱۱ - اكمال الحجّة في المناجات.

۱۲ - انتخاب المسائل. در زمان مؤلف چاپ و در فهرست مشار یاد شده است.

۱۳ - الانوار السانحة في تفسير الفاتحة.

۱۴ - ايضاح الرياض=حاشیه شرح کبیر است در دو جلد و در جلد ۲۶ ذریعه

یاد شده است.

۱۵ - البارقات الملكوتية في المعارف و الاخلاق.

۱۶ - بدر البلاغة في الخطب التي أنشأها. دوازده خطبه است و ضمیمه منتخب

قوامیس الدرر در سال ۱۳۹۰ق چاپ شده است.

۱۷ - بوارق القهر في تفسير سورة الدهر در ذریعه ۱۱/۱۵۲ یاد شده و در ذریعه

۱۰۹/۲۶ گوید: نسخه اصل آن در کتابخانه محیط طباطبائی(در تهران) است.

۱۸ - تبصرة السائر في دعوات المسافر.

۱۹ - تذكرة الشهداء في مصائب سيد الشهداء شامل دوازده مجلس و به زبان

فارسی در ۴۵۲ صفحه رحلی در سال ۱۳۸۹ق چاپ شده است. تاریخ تألیف یا تحریر

نسخه‌ای که از روی آن چاپ شده ۱۳۰۶ق است.

۲۰ - التذكرة في النحو=التذكرة النوروزية في النحو. از کتابهایی است که پیش

از بلوغ نوشته است.

- ۲۱ - ترجیع بند در مراتب سیر. تاریخ نظم ۱۲۷۹ ق ضمیمه تشویقات السالکین در ۷ صفحه چاپ شده است.
- ۲۲ - تسهیل المسالك الى المدارك فی رؤوس القواعد الفقهية به گفته فهرست مشار در سال ۱۳۷۴ ق در ۴۸ صفحه چاپ شده و بار دیگر در چهل صفحه رقعی در سال ۱۴۰۴ ق چاپ حروفی شده است.^{۴۰}
- ۲۳ - تشویقات السالکین الى معارج الحق و الیقین. شعر فارسی است، تاریخ نظم ۱۲۸۹ ق می باشد و در سال ۱۳۲۲ ق در ۱۰۸ صفحه چاپ سنگی شده و در سال ۱۳۹۲ ق از روی همان چاپ افست شده است.
- ۲۴ - تعلیقة علی تمهید القواعد. حاشیه بر تمهید القواعد شهید ثانی است.^{۴۱}
- ۲۵ - تعلیقة علی الفصول = تعلیقة علی مقدمة الفصول. مقصود فصول در علم اصول است.^{۴۲}
- ۲۶ - تفسیر سوره قل هو الله احد به زبان عربی است در ۵۱ صفحه (یا کمتر) در زمان حیات مؤلف چاپ شده است.^{۴۳}
- ۲۷ - تفسیر سوره جمعه (فارسی).
- ۲۸ - تفسیر سورة الجمعة (عربی).
- ۲۹ - تفسیر سورة الفتح. به زبان عربی است و در ۱۳۲۲ ق چاپ شده است.^{۴۴} نسخه چاپی آنرا در کتابخانه امام زاده محمد هلال آران کاشان دیده ام.
- ۳۰ - تفسیر سوره اعلی. در ذریعه ۲۵۲/۱۱ فرموده: ذکر ت فی احواله فی مقدمة تبصرة المعاريف.
- ۳۱ - تفسیر سورة الملك.
- ۳۲ - تنبیهاة الغافلین. مثنوی فارسی است. در سال ۱۳۲۲ ق در ۵۶ صفحه چاپ سنگی شده. ضمیمه تشویقات السالکین، و در سال ۱۳۹۲ ق نیز از روی همان چاپ افست شده است.
- ۳۳ - توضیح البیان فی تسهیل الاوزان. تاریخ تألیف این کتاب که پیرامون اوزان و مقادیر است سال ۱۲۹۴ ق می باشد در دریه ج ۴، ص ۱۸۲ و ۴۹۱ و ج ۲۳، ص ۴ یاد شده است يك بار در سال ۱۳۱۳ ق و بار دوم در ۱۴۰۴ ق چاپ شده است. چاپ دوم ۵۶۰ صفحه رقعی است و مشار در فهرست خود چاپ ۱۳۱۳ را ۲۲۷ صفحه دانسته است.

- ۳۴ - توضیح السبیل فی بیان الادیان=توضیح السبیل.
- ۳۵ - جذبة الحقیقة فی شرح دعاء الکمیل.
- ۳۶ - جمل النواهی فی شرح حدیث المناهی. شرح حدیث مناهی است که در مجلس ۹۶ امالی صدوق آمده. به زبان عربی. تاریخ تألیف ۱۲۹۳ق. در سال ۱۳۶۴ شمسی در ۲۶۵ صفحه رقعی چاپ شده است.
- ۳۷ - جنة الحوادث فی شرح زیارة الوارث. عربی است، تاریخ تألیف: ۱۳۰۰ق، در سال ۱۴۰۵ قمری در ۸۴ صفحه رقعی چاپ حروفی شده است.
- ۳۸ - الجوهر الثمین فی اصول الدین=منظومة فی علم اصول الدین، در زمان حیات مؤلف در تهران چاپ شده است.
- ۳۹ - حاشیه بر رساله عملیه زینة العباد.
- ۴۰ - حاشیه بر رساله عملیه شیخ جعفر شوشتری.
- ۴۱ - حاشیه بر رساله عملیه مجمع المسائل.
- ۴۲ - حاشیه بر رساله عملیه آقا باقر بهبهانی.
- ۴۳ - حاشیه علی شرح القطر فی النحو، از کتابهایی است که پیش از بلوغ نگاشته است.
- ۴۴ - حجیة الظن=رسالة فی...
- ۴۵ - حدیقة الجمل فی النحو. از کتابهایی که پیش از بلوغ نگاشته است.
- ۴۶ - حقائق النحو فی تطبیق مسائل النحو علی المطالب العرفانیة. از کتابهایی است که پیش از بلوغ نگاشته است.
- ۴۷ - حکم المواعظ. فارسی.
- ۴۸ - خواص الاسماء فی شرح الاسماء الحسنی. فارسی است. در زمان حیات مؤلف ۱۳۲۹ق به ضمیمه الاسرار الحسینیة در ۹۵ صفحه چاپ شده است.^{۴۵}
- ۴۹ - درة الجمان=منظومه فی النحو.
- ۵۰ - درة الدرر فی تفسیر سورة الکوثر. در سال ۱۳۲۶ - ۱۳۲۷ق به ضمیمه تفسیر سورة قل هو الله او در تهران در ۵۱ صفحه چاپ شده است.^{۴۶}
- ۵۱ - الدرلة اللاهوت=منظومة فی المطالب العرفانیة.
- ۵۲ - الدر المکنون فی شرح دیوان المکنون.

- ۵۳ - دیوان اشعار. شامل اشعار متفرقه او. گویا در زمان حیات او چاپ شده باشد و احتمال می‌رود مقصود همان مجموعه تشویقات السالکین و ضمیمه‌های آن باشد.
- ۵۴ - ذریعة الاستغناء فی تحقیق مسائل الغناء. شامل مقدمه و سه مقصد و خاتمه. نسخه خطی آن در ۱۱۵ صفحه جیبی زیارت شده، در لباب الالقباب ص ۶۳ گوید: از «رسالة فی تحقیق الغناء» سید ماجد کاشانی در رساله خود پیرامون غناء نقل کرده‌ایم.
- ۵۵ - ذریعة المعاد فی فضائل اهل البیت. شامل ده باب است به زبان فارسی. دو باب آن در سال ۱۳۸۳ ق در کاشان چاپ حروفی شده است.
- ۵۶ - رباعیات. ضمیمه تشویقات السالکین ظاهراً دو بار چاپ شده است به ضمیمه اشعار دیگری از او. به فهرست مشار فارسی رجوع شود.
- ۵۷ - رجوم الشیاطین فی الرد علی البابیة الملاعین. در ذریعه. ۱۶۴/۱۰ فرماید: در ۱۲۸۴ ق تألیف شده است. فهرست مشار گوید: در ۱۰۳ صفحه در سال ۱۳۲۲ ق چاپ شده است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه مؤسسه در راه حق قم موجود است.
- ۵۸ - الرد علی البابیة و ذکر کلماتهم الواهية.
- ۵۹ - رساله در اعیاد شرعیه. در تهران چاپ شده است.^{۲۷}
- ۶۰ - رساله در افعال حج و عمره (فارسی) = مناسک حج.
- ۶۱ - رساله در افعال صلاة و بعضی از مسائل خلل صلاة (فارسی).
- ۶۲ - رساله فی تحقیق حکم العصیر.
- ۶۳ - رساله فی التیمم.
- ۶۴ - رساله در رجعت. فارسی = اثبات الرجعة.^{۲۸} در زمان حیات مؤلف سال ۱۳۲۹ ق به ضمیمه الاسرار الحسینیة و خواص الاسماء در ۹۵ صفحه رقعی و بار دیگر بعد از وفات مؤلف چاپ شده است.
- ۶۵ - رساله در رضاع (فارسی).
- ۶۶ - رساله در شکایات و سهویات (فارسی).
- ۶۷ - رساله فی الشکیات = الشکیات.
- ۶۸ - رساله فی معنی الصلاة علی محمد و آله.
- ۶۹ - رساله فی عدم جواز الصلح عن حق الرجوع مطلقاً.
- ۷۰ - رساله فی علم الجفر.

- ۷۱ - رساله فی علم المناظرة.
- ۷۲ - رساله در مسائل اجتهاد و تقلید (فارسی) در زمان حیات مؤلف در تهران چاپ شده است.
- ۷۳ - رساله فی المعاطاة.
- ۷۴ - رساله طویله فی المعاملات الفضولیة
- ۷۵ - ریاض الحکایات. فارسی در بیست و یک باب. از سال ۱۳۱۷ ق به بعد مکرر چاپ شده است و پرمشتری‌ترین کتاب مؤلف است. فاعتبروا یا اولی الابصار؟! با اینکه این کتاب متأسفانه خالی از نقاط ضعف نیست.
- ۷۶ - ریاض العرفان. چند مثنوی است.
- ۷۷ - زبدة المقال = منظومة فی افعال الصلاة. در سال ۱۲۷۸ ق در سه روز به نظم درآورده است. ضمیمه مغنم المجتهدین در سال ۱۳۹۰ ق چاپ شده است.
- ۷۸ - ساقی نامه در مدح علی - علیه السلام - تاریخ نظم ۱۲۸۶ ق، در سال ۱۳۲۲ ق به ضمیمه اشعار دیگر او چاپ شده است در ذریعه ۱۹/۱۹۸ فرماید: نسخه خطی آن در دانشگاه موجود است.
- ۷۹ - ساقی نامه در اخلاق دارای دوازده شعله. در پانزده سالگی سروده است. در ۲۱ صفحه در سال ۱۳۲۲ ق به ضمیمه اشعار دیگری از او چاپ شده است.
- ۸۰ - السرّ المستسر فی الطلسمات و الدعوات.
- ۸۱ - شرح الاربعین فی فضائل امیرالمؤمنین - علیه السلام -
- ۸۲ - شرح اعتقادات الصدوق = تعلیقات علی اعتقادات الصدوق.^۹
- ۸۳ - شرح دعاء الجوشن الصغير.
- ۸۴ - شرح دعاء السحر (عربی) تاریخ تألیف ۱۲۹۷ ق در قمصر. در ۱۴۰۵ ق در ۷۲ صفحه رقعی چاپ حروفی شده است.
- ۸۵ - شرح دعاء صنمی قریش.
- ۸۶ - شرح دعاء العذیلة (عربی).
- ۸۷ - شرح زیارة العاشور (عربی) در سال ۱۴۰۵ ق در ۴۸ صفحه رقعی چاپ شده است.
- ۸۸ - شرح صحیفه سجّادیه. در ذریعه ۱۳/۳۴۹ یاد شده است.
- ۸۹ - شرح القصیة فی مراثی الحسین - علیه السلام - مقصود از قصیده مخمسّه

شیخ زین الدین فرزند صاحب معالم است که ۲۶۰ مصراع است. که در المثنوی برادر ناظم درج شده است. این شرح فارسی است و در سال ۱۳۸۰ یا ۱۳۷۸ ق در ۴۳ صفحه رقمی چاپ شده است.

۹۰ - شرح علی قصیده الحمیری. لام عمرو...

۹۱ - شرح قصیده فرزدق. یا سائلی.

۹۲ - شرح علی لامیه العجم للطفرائی.

۹۳ - شرح مفاتیح الشرائع=شرح قصاص و دیات و طلاق است.

۹۴ - شرح مفتاح الاصول ملا احمد نراقی.^{۵۰}

۹۵ - شرح مناجات خمسة عشر.

۹۶ - شرح منظومه اصول فقه صاحب قصص العلماء.^{۵۱}

۹۷ - شغل الفؤاد فی المناجات(فارسی).

۹۸ - شکایت نامه. منظومه فارسی در چهار فصل دو بار چاپ شده است و در

ذریعه ۲۱۴/۱۴ یاد شده است.

۹۹ - شمس المشارق فی شرح الباب الحادی عشر.

۱۰۰ - صراط الرشاد فی الاخلاق.

۱۰۱ - العشرة الكاملة فی التجوید. از کتابهایی است که پیش از بلوغ نگاشته

است.

۱۰۲ - عقائد الايمان=شرح دعاء عدیله. فارسی، دو یا سه بار چاپ شده است.

و کتابی است سودمند برای کسانی که بخواهند در اصول اعتقادات مطالعه‌ای داشته

باشند چاپ اول آن در سال ۱۳۱۶ ق بوده است و در ذریعه فرماید: این شرح را بعد از

شرح عربی نگاشته است.^{۵۲}

۱۰۳ - فضیحة اللثام فی رد من ابدع فی الاسلام.

۱۰۴ - الفهرست=وصیت نامه و فهرست مؤلفات و کتابهای کتابخانه‌اش. در سال

۱۳۲۴ ق نگاشته شده و تا ۱۳۳۱ ق هم مطالبی به آن افزوده شده. و ظاهراً پس از این

تاریخ مرحوم ملا حبیب الله در نوشتن ضعیف و ناتوان شده باشد و نوشته‌های لرزان سال

۱۳۳۰ ق که زیارت شد شاهدهی بر این مطلب است. به هر حال در این رساله طبق

شمارش اینجانب صد و پنجاه و هشت اثر یاد شده است با اینکه در لباب الالقاب که

- سال تألیف آن ۱۳۱۹ ق می باشد فقط صد و سی و چهار اثر یاد شده است.
- ۱۰۵ - فهرست الامثال.
- ۱۰۶ - قبس المقتبس فی شرح حدیث من عرف نفسه فقد عرف ربه.
- ۱۰۷ - قصاص و دیات (فارسی).
- ۱۰۸ - القوائد. چند قصیده است در اخلاق و توسل به امام زمان و مرثیه سید الشهداء که ضمیمه تشویقات السالکین و اشعاری دیگر از او چاپ شده است.
- ۱۰۹ - القواعد الربانیة فی باطنیات الاخلاق.
- ۱۱۰ - قوامیس الدرر. مانند کشکول است در دو جلد بزرگ.
- ۱۱۱ - القول الفصل فی ان منجزات المریض من الاصل.
- ۱۱۲ - کشف السحاب. شرح خطبه شقشقیه است.
- ۱۱۳ - الکلمات الجذبیة فی الآداب الملکوتیة.
- ۱۱۴ - گلزار اسرار. در جوانی در ده روز سروده و در سال ۱۳۲۲ ق در ۱۴۲ صفحه ضمیمه تشویقات السالکین چاپ سنگی شده است. و در سال ۱۳۹۲ ق از روی همان چاپ افست شده است.
- ۱۱۵ - گوهر مقصود در وفاء به عهد (فارسی) در ۲۲ فصل. در کاشان در سال ۱۳۲۵ شمسی در ۴۶ صفحه چاپ شده است تاریخ تألیف ۱۳۳۳ ق، به ذریعه و فهرست مشار رجوع شود.
- ۱۱۶ - لباب الالقاب فی القاب الاطیاب. در سال ۱۳۷۸ ق در تهران در ۱۷۲ صفحه رقعی چاپ شده است. تاریخ تألیف: ۱۳۱۹ ق، در ذریعه ۲۷۷/۱۸ یاد شده است.
- ۱۱۷ - لباب الفکر فی المنطق.
- ۱۱۸ - لبّ النظر فی المنطق.
- ۱۱۹ - اللغز باسم الکشکول و شرحه.
- ۱۲۰ - مجالس الابرار فی فضائل اهل البیت.
- ۱۲۱ - مجمع الحواشی علی شرح اللمعة. حواشی ملا عبدالله تبریزی معروف به ترک، ساکن مدرسه سلطانیه کاشان است که ملاحیب الله آنها را جمع آوری و به صورت کتاب در آورده است.^{۵۳}
- ۱۲۲ - مراحل الاصحاب فی تحقیق الاستصحاب.

۱۲۳ - مسائل الاحکام در عبادات. در زمان حیات مؤلف چاپ شده و در فهرست مشار آمده است.

۱۲۴ - مسائل الافعال فی بیان افعال الصلاة.

۱۲۵ - مستقصی القواعد الفقهية (عربی) جلد اول آن در ۲۸۷ صفحه در سال ۱۴۰۴ ق چاپ شده است. تاریخ تألیف ۱۲۹۵ ق. به منزله شرح تسهیل المسالك اوست که قبلاً ذکر شد و نام دیگر آن مستقصی المدارك است.

۱۲۶ - مصابیح الدجی فی النحو - شرح البهجة المرضیه سیوطی است. و از کتابهایی است که پیش از بلوغ نگاشته است.

۱۲۷ - مصابیح الصائمین فی اسرار الصوم و آدابه. بعد از وفات مؤلف در حدود ۹۰ صفحه چاپ شده است.^{۵۲}

۱۲۸ - مصابیح الظلام فی النحو. پیش از بلوغ تألیف کرده است.

۱۲۹ - مصاعد الصلاح فی شرح دعاء الصباح.

۱۳۰ - مغنم المجتهدین فی صلاة الجمعة و العیدین فی زمان الغیبة. در سال ۱۳۹۰ ق در ۱۵۸ صفحه چاپ شده است.

۱۳۱ - مفتاح السعادات فی الدعوات.

۱۳۲ - المقالات المخزونة فی المناجاة.

۱۳۳ - مقدمة التعلیم و التعلیم.

۱۳۴ - مکاسب. فارسی=آداب التجارة. در زمان مؤلف چاپ شده است.

۱۳۵ - الملهمة القدوسية فی المناجاة.

۱۳۶ - منتخب الامثال فی امثلة العرب.

۱۳۷ - منتخب درة الفواص حریری.

۱۳۸ - منتخب القواعد (شاید منتخب قواعد فقهیه در مقابل مستقصی القواعد الفقهیه باشد؛ زیرا در لباب این دو کتاب پشت هم یاد شده است).

۱۳۹ - منتخب قوامیس الدرر. در سال ۱۳۹۰ ق در ۳۴۰ صفحه چاپ شده است. اصل آن که قبلاً یاد شده چاپ نشده است.

۱۴۰ - منتخب المسائل (فارسی) رساله عملیه.

۱۴۱ - منتخب المقالات من کتاب المقامات. ظاهراً مقصود مقامات حریری

است.

۱۴۲ - منتقد المنافع فی شرح المختصر النافع. سیزده یا چهارده جلد (اگر قضاء و شهادات را دو جلد به حساب بیاوریم) است پنج جلد در طهارت، و سه جلد در صلاة، و يك جلد در زكاة و خمس و صوم، و يك جلد در حج، و يك جلد در متاجر، و يك جلد در قضاء و يك جلد در شهادات، و يك جلد در ارث.^{۵۵} تاکنون چهار جلد آن چاپ شده است اما چاپ آن مطلوب نیست.

۱۴۳ - منظومة فی اصول الدين بیش از ۱۲۰۰ بیت است و قبل از بلوغ به نظم درآورده و در زمان حیات ناظم چاپ شده است.

۱۴۴ - منظومه فی علم البدیع. در ۴۱ صفحه ضمیمه تشویقات السالکین چاپ شده است.

۱۴۵ - منظومة فی علم البيان.

۱۴۶ - منظومة فی علم الدرايه. در فهرست مشار آمده که در زمان مؤلف چاپ شده است.

۱۴۷ - منظومة فی الصرف.

۱۴۸ - منظومة وجيزة فی علم المناظرة. در زمان حیات مؤلف چاپ و در فهرست مشار یاد شده است.

۱۴۹ - منظومة فی النحو. پیش از بلوغ سروده است.

۱۵۰ - منية الوصول فی اصول الفقه.

۱۵۱ - نخبة الامثال.

۱۵۲ - نخبة البيان فی علم البيان = نخبة التبيان...

۱۵۳ - نخبة من الدعوات الواردة فی الاوقات الشريفة.

۱۵۴ - النخبة المجموعة فی المطالب المتفرقة.

۱۵۵ - نخبة المصائب. در ذریعه ۹۹/۲۴ و در فهرست مشار یاد شده و در تهران در سال ۱۳۳۶ شمسی در ۱۰۱ صفحه چاپ شده است.

۱۵۶ - النخبة الوفیة فی شرح المنظومة الموسومة بالدرة البهية فی الاصول.

الدرة البهية منظومه اصول فقه است از سید بحر العلوم (ره).

۱۵۷ - نصیحت نامه. منظومه فارسی است در ۴۰ فصل. تاریخ نظم ۱۳۰۱ ق.

چاپ اول آن توسط مؤسسه خاور تهران در سال ۱۳۱۰ شمسی در ۴۳ صفحه انجام شده است. و بار دیگر ضمیمه تشویقات السالکین چاپ شده است.

۱۵۸ - نظم الامثال.

۱۵۹ - الوجیزه فی النحو. از کتابهایی است که پیش از بلوغ نگاشته است.

۱۶۰ - وسیلة الاخوان الی احکام الایمان. فارسی در ذریعه ۷۴/۲۵ یاد شده و

در فهرست مشار گوید: در طهران چاپ شده است و طبق فرموده فرزند مؤلف دوبار چاپ شده است.

۱۶۱ - وسیلة المعاد فی فضائل محمد و آل محمد. دارای ده وسیله در سال

۱۳۲۶ ق در ۲۶۴ صفحه وزیری چاپ سنگی شده و در سال ۱۳۹۹ ق از روی همان چاپ افست شده است. این کتاب فارسی و سال تألیفش ۱۲۸۷ ق می باشد.^{۵۶}

۱۶۲ - هداية الضبط فی علم الخط.

چند یادآوری

۱ - احتمال می دهیم برخی از این تألیفات، يك كتاب با دو نام باشد مانند «آداب يوم الجمعة و الاعیاد الشریفة» و «رساله در اعیاد شرعیه» که ما دو شماره به حساب آوردیم ولی شاید يك رساله باشد. بنابراین عدد از ۱۶۲ کمتر می شود.

۲ - اگر مجموعه اشعار فارسی و عربی ایشان (غیر از منظومه های علمی) را به عنوان «دیوان اشعار» ایشان يك شماره حساب کنیم حدود ده شماره از عددی که ذکر شده است کم می شود.

۳ - این کتابها همانطور که ملاحظه می کنید در موضوعات: فقه، اصول، حدیث، ادبیات، منطق، عقائد، عرفان، تفسیر، تراجم و علوم غریبه می باشد.

۴ - حدود پنجاه کتاب از این تعداد تاکنون چاپ شده است البته حدود نیمی از آن در زمان حیات مؤلف و بقیه پس از وفات او.

۵ - مهمترین این کتابها همان کتاب فقه استدلالی چهارده جلدی منتقد المنافع است که تاکنون ۴ جلد آن چاپ شده و پرتیراژترین آنها «ریاض الحکایات» است. و در میان این تألیفات، تنها کتابی که جزو مصادر شده است «لباب الالقاب» می باشد که برخی مطالبش منحصر به فرد است و جای دیگر پیدا نمی شود.^{۵۷}

۶ - فارسی یا عربی بودن بخشی از این کتابها و رساله‌ها و همچنین تاریخ تألیف و موضوع و حجم آنها روشن نیست.

۷ - اگر مرحوم ملا حبیب الله از حدود سال ۱۳۳۰ق تا آخر عمر تألیفی نداشته باشد^{۵۸} این تألیفات نتیجه کوشش شصت ساله ایشان است یعنی از ده دوازده سالگی تا هفتاد سالگی.

۸ - بخشی از این تألیفات در زمان خود ایشان گم شده^{۵۹} و شاید برخی دیگر هم پس از وفات ایشان دستخوش حوادث شده باشد.

۹ - بخش کمی از این تألیفات در کتاب پر ارج ذریعه آمده^{۶۰} و بقیه باید در مستدرک ذریعه که توسط برخی از کتابشناسان معاصر در دست تألیف و تنظیم است درج شود.

۱۰ - مصدر ما و کسانی که پیرامون تألیفات ملا حبیب الله چیزی نوشته‌اند، مطالبی است که از لابلای کتاب لباب الالقباب و نیز از خاتمه آن، و نیز از فهرستی که توسط خود او برای تألیفاتش فراهم شده، استفاده می‌شود، به علاوه روایت و زیارت نسخه‌های چاپی یا خطی برخی از این کتابها.

شعر او

تخلص مرحوم ملا حبیب الله «سالک» بوده که اشاره‌ای هم به اینکه ایشان از جوانی (زیرا در جوانی بیشتر شعرها را گفته است) در فکر سیر و سلوک بوده، دارد.

اشعار فارسی و عربی او و نیز منظومه‌های علمی‌اش فراوان است که نام اکثر آنها به تفصیل، و احیاناً به اجمال در فهرست تألیفات او یاد شد. اینک نمونه‌ای از اشعار او:

| | |
|-----------------------------|--------------------------|
| يك چند به شغل درس و تدریس | دست از همه کارها کشیدم |
| در مدرسه قیل و قال کردم | در مسأله گفتم و شنیدم |
| از گفتن درس و بحث طلاب | افسرده شدم، به جان رسیدم |
| زین گفت و شنود و قیل و قالم | راهی به وصال حق ندیدم |
| دلگیر شدم فکار گشتم | آزرده شدم به خود طهیدم |

گفتم من و بعد از این خرابات شاید که دهد خدا امیدم
ناگاه ز نغمه‌های جانسوز این نغمه ز عاشقی شنیدم:
هر چند خرابه‌ها دیدم آن خانه خراب را ندیدم

چه شود زیهر خدا دمی کرمی کنی و ترحمی
به دل شکسته من نهی ز وفا و لطف تو مرهمی

سحرگاهی به توفیق الهی شنیدم ذکر هو از مرغ و ماهی
بگوشم شد ندا از عالم غیب که ای سالک ز من خواه آنچه خواهی^{۶۱}

نثر فارسی او

کتابها و نوشته‌هایش مطلوب و مطبوع است و در ادبیات فارسی و عربی استاد بوده و سالها قلم زده است از این رو می‌توان گفت نثری مفهومی و صحیح داشته است. نمونه‌ای از نوشته‌هایش که محتوای جذابی نیز دارد در اینجا می‌آوریم:

نصیحت نامه‌ای است که به جهت بعضی دوستان نوشته‌ام:

ای عزیز من هر چیز را میزانی درخور خودش مقرر است، که حقیقت آن به او سنجیده می‌شود و میزان تدین متدین «مساوات» است به این معنی که بندگان خدا را بدون فضیلت شرعی بر یکدیگر ترجیح ندهد، و فضیلت شرعی همان تقوی و ورع و گسستگی از دنیا، و علم صفاوت و نقاوت است نه دولت و عزت و منصب، همانا اینگونه مناصب در محل فنا و زوال است و منصب خدایی را انجام بقا و سعادت است.

پس ای عزیز اعتماد مکن به آن کس که دعوی دین کند و قلبش به اهل دنیا و

منصب مایل باشد. پس چون بیچاره فقیری را بیند حالت انقباض رخ دهد و بی دین غنی را چون ملاقات نماید باعث سرور و انبساطش شود. کلاً و حاشا چنین شخص به مراحل از مقام دین دور و از مرتبه متقین مهجور است بل مقتضای ایمان مؤمن آن است که با بیچارگان از همه جا گسسته طریقه الفت پیش گرفته و با ایشان مهربانی کند که شاید این مطلب ایشان را جبران دل شکستگی شود. همانا این طائفه را با حق تعالی آشنایی زیادتر باشد؛ زیرا که هر چه تعلق زیاد گردد حجاب بیش شود و دل بستگی به دنیا سلاسل و اغلال قلب است پس وای بر آن کسان که دعوی دین کنند و ترک زیارت فقرا نمایند و با اغنیا راه اخوت پیش گیرند... و ای عزیز من چو خواهی طریقت مرادت را سلوک کنی جز با دو کس آمد و شد مفرما:

نخستین آن کس که از تو اکمل باشد چه از صحبت وی تو را نصیبی از کمال حاصل شود؛ زیرا که تو را در هر وقتی از اوقات استعداد کمال است که چون فوت شود در وقت دیگر قضایش نشاید. همانا آن وقت دیگر را نیز کمالی به حسب خود مقرر است پس خاسر آن کس است که هر دو وقتش مساوی باشد و ملعون آن کس باشد که وقت ثانی از کمال کاهیده آید.

و دوم آن کس که جاهل باشد و از تو ناقص تر بود و لکن قصدش از تو کسب کمال باشد همانا از مصاحبت چنین کس نیز مضایقه مفرما؛ زیرا که قضیه عدالت، عطای هر طالب است خواهش او را و مما رزقناهم ینفقون نیز از صفات مؤمن شمرده اند پس بخل از این مقام شایسته دربار ایمان نباشد.

و چون از این دو کس خبری ندیدی و اثری نشنیدی طریقت انزوا و خمول اصوب طرق است؛ زیرا که ناچار بایست با گاووان و خران هم آخور شوی اگر حقی گوئی انکارش کنند و اگر باطلی گویند توقع تصدیق داشته باشند و این دو بار، بر مؤمن غیور گران است و حاصل این مصاحبت نه آنها را فائده بخشد از آنجا که ناقابلند و نه تو را سود بخشد از آنجا که ناقصند. بل بسا شود که از مقام تو چیزی کاهند که سالها در تحصیلش عمری صرف کرده ای....

و در پاسخ دوستی که پرسیده بود موجب آسودگی دنیا چیست؟ می نویسد:
بدانکه آسودگی در دنیا بجز ترك علائق دنیا ممکن نشود. نفس تعلق محنت است و شدت موت و سكراتش که شنیده ای لعل که کنایت از همین تعلقات باشد پس اگر

آسودگی خواهی قلب را به سلاسل و اغلال تعلقات اسیر مکن.
مثل مرد دنیا که همیشه از محنتش نالد چون آن شخص است که خصیه خویش
را محکم گرفته و فشار می‌داد و فریاد می‌کرد دیگریش گفت: دست بردار آسوده
شوی....^{۶۲}

والحمد لله علی من اتبع الهدی

گفته‌های بزرگان

در باره وی چنین گفته‌اند:

- ۱ - علامه طهرانی فرماید: هو عالم فقیه و رئیس جلیل و مؤلف مروج مکرر.^{۶۳}
 - ۲ - مرحوم خیابانی: عابد و زاهد و متقی و عرفان مسلک، و صاحب اخلاق حمیده بود. و به شهادت تألیفات طریقه متنوعه، او علاوه بر علوم دینیّه متداوله در بعضی از علوم غریبه نیز خبیر، و دارای قریحه شعریه هم بود....^{۶۴}
 - ۳ - در لغت نامه دهخدا همین عبارت ریحانة الادب خیابانی نقل شده است.^{۶۵}
 - ۴ - در مصفی المقال به عنوان یکی از مؤلفان کتب رجال و تراجم یاد شده است.^{۶۶}
 - ۵ - در فهرست کتابخانه آستان قدس در ذیل تفسیر سوره فتح ملا حبیب الله: از اعلام جامع و دارای تألیفات در علوم متنوعه با مرجعیت تامه و مقبولیت عامه روزگاری را به زهد و پرهیز و تدریس و تألیف گذراند.^{۶۷}
 - ۶ - سید محسن امین در اعیان الشیعه: عالم فاضل له عدّه مؤلفات....^{۶۸}
 - ۷ - سید محمد علوی کاشانی که از تلامیذ ملا حبیب الله بوده: اجلّ المجتهدین ملاذ الملة و الدین حجت الاسلام و المسلمین آیت الله فی الارضین العالم العامل الربانی و القدیس الكامل الصمدانی...العبد الصالح الاواه الآقا المولی حبیب الله اعلى الله مقامه.^{۶۹}
 - ۸ - نواده او حاج سید عزیز الله حسینی امامت: کان رحمه الله من نوادر الزمان و انفس ذخائر الاوان و لم یکن له ثان فی الدوران.^{۷۰}
- و نیز ایشان نوشته‌اند: از اعظم علمای اسلام و مفاخر شیعه بین قرن سیزدهم و

چهاردهم بوده که از اوان صباوت و کودکی دارای هوش و ذوقی سرشار و فطانت و ذهنی حدید و همتی عالی بوده بطوری که تألیفات و تصنیفات قبل از بلوغ ایشان شاهد بر این مدعا است.^{۷۱}

۹ - شیخ محمد سلیمانی تلمیذ او: المولی الوحید النجیب الاستاد الاعظم الاجل الاکرم الادیب الاریب الملا حبیب آیت الله العظمی الشریف.^{۷۲}

۱۰ - حاج سید فخر الدین حسین امامت تلمیذ و داماد او: شیخنا العالم العامل استاد الاساتید الوحید الفرید نصیر الملة و الدین آیت الله فی الارضین العالم الربانی و الفاضل الصمدانی مولانا الآخوند ملا حبیب الله الشریف الکاشانی...^{۷۳}

۱۱ - مؤلف کتاب معتنم الدرر که از ملا حبیب الله اجازه روایت دارد: هذا الشيخ الاجل الاوحد قلّ ما یرى مثله او یوجد و هو اطال الله عزه و بقاءه من عجاب من سمعنا به و رأیناه علما و عملا اشتغالا و اجتهادا و تزکیة و تجلیة ذکرا و فکرا و زهدا و ورعا کل ذلك بالحقیقة و اقبال نفسه الشریفة لا بالتصنع و التعمّل.^{۷۴}

۱۲ - حاج سید محمد حسین رضوی شاگرد او: عالم علیم غواص دّواس...نحریر مجتهد مستنبط فقیه...^{۷۵}

۱۳ - استادش حاج سید حسین کاشانی: صار بحمد الله تعالی و منه عالما فاضلا و فقیها کاملا مستجمعا لشرائط الفتوی و الاجتهاد و حائزا لمراتب العلم و العمل و العدالة و النبالة و السداد...^{۷۶}

۱۴ - مرحوم آیت الله مرعشی نجفی در مقدمه عقائد الایمان (شرح دعای عدیله) ملا حبیب الله.^{۷۷}

۱۵ - حاج سید عباس کاشانی در مقدمه منتقد المنافع ملا حبیب الله.^{۷۸}

۱۶ - خانبابا مشار در فهرست مؤلفین کتب چاپی.^{۷۹}

۱۷ - سید عبدالحجّة بلاغی در شرح و حال و زندگانی شمس العرفا.^{۸۰}

۱۸ - نواده او در کتاب امام زادگان معتبر^{۸۱} و تذکرة الشعراء.

۱۹ - آقای حسین فرخ یار در کتاب مشاهیر کاشان.^{۸۲}

۲۰ - و حاج شیخ محمد رازی در کتاب گنجینه دانشمندان.^{۸۳}

در تمام این کتابها به عباراتی گوناگون از عظمت و بزرگواری ملا حبیب الله یاد

شده است.

و از هر چه بگذری سخن خویش خوشتر است.

ملا حبیب الله در معرفی خود فرماید:

لو لا ان تزکیة المرء لنفسه قبیحة عند ارباب العقول لفصلت الکلام فیما من الله علی من الخصائص فی الاحوال بما يطول و القول المجمل فی ذلك:
انی لم اشتغل من بدو تمیزی قبل بلوغی الی هذه السنة (۱۳۱۹ق) بما اشتغل به اللاهون الغافلون و لم اصرف عمری فیما صرف فیہ البطالون و لم احب المغالطة مع الجهلة و لم اركن الی الظلمة بل كنت محباً للاعتزال مجتنباً عن المرء و الجدل و عن القیل و القال و الجواب و السؤال الا فی مسائل الحرام و الحلال معرضاً عن الحقد و الحسد و الطمع و طول الآمال صابراً علی البأساء و الضراء و شدائد الاحوال غیر جازع علی الضنك و الضیق و الفقر و الفاقة و عدم المال و ارجو من الله المتعال ان لا یحول حالی هذه فی بقية عمری الا الی احسن الاحوال و ان یجعل عاقبتی خیراً مما مضی علی فی تلك الشهور و الاحوال.

و بالجملة قد وقفت عمری الشریف علی التدریس و التألیف و التصنیف و لم اکثرث بما اصابنی من اذی کل و ضیع و شریف...^{۸۴}

زوجات

۱ - صبیبه استادش میر محمد علی بن سید محمد کاشانی. در لباب الالقباب گوید: هو والد زوجتی و استادی فی بعض علوم الاسلام...^{۸۵}

۲ - صبیبه دیگر آن مرحوم که پس از وفات زوجه اول با این بانو ازدواج کرده است.

۳ - صبیبه ملا محمد علی بن ملا مهدی بن ملا مهدی نراقی متوفای ۱۲۸۵ق و مدفون در کاشان در مقبره خصوصی در جنب مدرسه آقا (یعنی پدرش که به آقا بزرگ معروف بود). در لباب فرماید: و قد تشرفت بمصاهرته علی بنته...^{۸۶}

فرزندانش

مرحوم ملا حبیب الله از این سه بانو پنج پسر و هفت دختر داشته است:

۱ - مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین شریف متوفای ۱۳۷۸ ق و مدفون در مقبره پدرش.

۲ - مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ مهدی شریف متوفای ۱۳۷۵ ق و مدفون در همان مقبره.

۳ - مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ احمد شریف متوفای ۱۴۰۰ ق و مدفون در همان مکان.

۴ - آقای علی شریف معروف به آیت الله زاده کاشانی سپاکن تهران.

۵ - حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد شریف آیت الله زاده کاشانی که هنگام وفات پدر دوازده ساله و اکنون دوران کهنوت را می‌گذرانند سلمه الله تعالی.

ایشان از آیات الله: حاج سید فخر الدین امامت، حاج شیخ محمد سلیمانی، سید شهاب الدین نجفی مرعشی اجازه روایت، و از حاج سید محمد علوی کاشانی اجازه امور حسبیه دارند.^{۸۷}

آثار و تألیفات مرحوم ملا حبیب الله که پس از رحلت او چاپ شده است همه یا بیشتر آن به همت این عالم خدوم بوده. خداوند خدمات او را قبول فرماید و مورد دعای خیر والد معظمش قرار گیرد.

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دامادها

۱ - حاج سید فخر الدین امامت که در بخش شاگردان از ایشان یاد شد.

۲ - ملا عبدالرسول مدنی که او نیز در بخش شاگردان یاد شد.

۳ - حاج میرزا حبیب ملقب به شمس الواعظین (برادر ملا عبدالرسول مذکور).

- ۴ - سید اسد الله تاج الواعظین.
 ۵ - سید محمد که هم داماد آقا بوده است و هم برادر همسر او (فرزند میر محمد علی).
 ۶ - سید احمد قدرت که آقای سید حسین قدرت خوشنویس معروف نوه اوست.
 ۷ - آقا شیخ شهاب الدین نوشابادی امام جماعت مسجد نوشاباد.

برخی از نوادگان

- ۱ - حاج سید عزیزالله امامت.
 ۲ - حاج سید فضل الله امامت.
 ۳ - حاج سید علی امامت.
 ۴ - حاج شیخ رضا مدنی.
 ۵ - فرزند ایشان حاج آقا محمد تقی مدنی.

وفات و مدفن

روز سه شنبه بیست و سوم جمادی الثانیه سال ۱۳۴۰ قمری در کاشان در خانه خود جهان را وداع گفت و در قبری در مزار دشت افروز (که در آن تاریخ خارج شهر کاشان بود) به خاک سپرده شد. قبر وی از همان تاریخ تا زمان ما مورد احترام مؤمنان بوده و یکی از مزارات کاشان به شمار می آید رحمه الله علیه.

اشعار فراوانی شامل ماده تاریخ فوت آن مرحوم سروده شده است که برخی از آنها را نقل می کنیم:

چو خواستم سنه ارتحال وی ز خرد به گریه گفت (بسی مستحق رحمت بود)
 ۱۳۴۰

- چو تاریخ از خرد کردم طلب گفت: (بهشت جاودان آرامگاهش)
۱۳۴۰
- بخرامد اکنون اندر جهان او
اندر جهان او بخرامد اکنون
۱۳۴۰
- خرد با چشم تر بسرود تاریخ (کنون از کوثر آن نوشیده جامی)
۱۳۴۰
- بگفتا هاتفی از بهر تاریخ (زکوثر جامی آن نوشیده اکنون)
۱۳۴۰
- خواهید گر این واقعه را سال بدانید (آن گشت قرین با نعم بی حد ایزد)
۱۳۴۰
- شد داخل جنات و هم از سال رحیلش (جنات نعیم دخل الآن) دهد یاد
۱۳۴۰
- خواستم سال رحیلش دل سرود (جایگه، وی راست جنات نعیم)
۱۳۴۰
- بتاریخ تصویر روی نکویش (خرد گفت تمثال او پس مکرم)^{۸۸}
۱۳۴۰
- (زهی ضریح مکرم) که این مقاله دهد زسال ساختنش یاد و هم زعام رحیل^{۸۹}
۱۳۴۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

وصیت نامه

یکی از تألیفات مرحوم ملا حبیب الله کاشانی رساله‌ای است که آغازش این است:
«بسم الله الرحمن الرحیم... اما بعد این فهرستی است از کتبی که در تصرف این
حقیر است و انا العبد المبتلی بالآمال و الامانی ابن علی مدد حبیب الله الکاشانی، خواه

مملوك و خواه موقوف، و ايضاً از كتبی كه از مؤلفات و مصنفات خود اين احقر است كه در ضمن فصولی چند ذكر می شود و خاتمه اين كتاب در اشاره به جمله ای از وصایای اين احقر است و ارجو من الله ان يغفر لي ما تقدم من ذنبي و ما تأخر و هو الغفور الرحيم».

آنگاه آن مرحوم فهرست كتابخانه خود را به تقسيم علوم در شانزده فصل^۱، و سپس فهرست مؤلفات خود را كه تا آن تاريخ (۱۳۲۴ق) ۱۵۸ اثر بوده در فصل هفدهم، و فهرست تألیفات چاپ شده خود را (تا آن تاريخ ۲۵ اثر چاپ شده بود) در فصل هجدهم، می نگارد و آنگاه در خاتمه وصیت نامه خود را می نویسد.

این وصیت نامه از جهاتی جالب و جاذب و آموزنده است، و یکی از عواملی كه این ناچیز را به نوشتن این شرح حال وادار كرد زیارت همین وصیت نامه بود. نسخه اصل آن در كتابخانه فرزند مؤلف حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد شریف آیت الله زاده كاشانی در كاشان موجود است و امید است ایشان به انتشار همه این وصیت نامه كه بخش هایی از آنرا قبلاً منتشر ساخته بودند راضی باشند.

به نظر این ناچیز این قبیل نوشته هاست كه روحانیت يك روحانی را به عامه مردم تفهیم می كند و آنان كه از سر انصاف این وصیت نامه را بخوانند بوی زهد و بی علاقه گی به دنیا، و نیز نسیم رحمت و عطوفت و خدمت به خلق و بندگان خدا را از آن استشمام و لمس می كنند و اینست متن وصیت نامه:

خاتمه^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در ذكر آنچه دارم از مال دنیا غیر از كتاب، و آنچه ندارم. در امروز كه يوم شنبه هفتم محرم است از شهر سنه هزار و سیصد و بیست چهار از هجرت نبویه (ص)، و گذشته است از سن این حقیر تخمیناً شصت و چهار سال یا پنج سال.

و انا اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له، و انه كما اتى على نفسه الها واحداً احداً صمداً لم يتخذ صاحبة ولا ولداً، و ان محمداً عبده و رسوله ارسله بالحق بشيراً و

نذيراً بین یدی الساعة، و هو كما وصفه الله فی كتابه خاتم النبیین، و أن علیاً (ع) سید الوصیین لم يعرفه حق معرفته سوى الله و رسوله، و هو كما وصف نفسه فی خطبه و کلماته المعروفة، و أن الائمة من ولده حجج الله علی خلقه فی أرضه و سمائه، و هم كما وصفوا فی الزيارة الجامعة.

و اشهد ان قائمهم الغائب المنتظر سیظهره الله علی الدین کله و لو کره المشرکون، و أنه یملأ الارض بعد ظهوره عدلاً و قسطاً بعد أن ملئت ظلماً و کفراً.
و اشهد أن اعداءهم و مخالفیهم و معانیدیهم و منکرى فضائلهم و الملحدین فی طریقتهم و المبدعین فی سنتهم ضالّون ملعونون أبد الآبدین.

و اشهد أن الفقهاء العادلین العاملین، المعرضین عن اتباع الشهوات، الراغبین الی المثوبات، الأمرین بالمعروف الناهین عن المنکر، سلام الله علیهم ورثة الانبیاء و نواب الاوصیاء و حفظة الدین و خیر الناس بعد الانبیاء و المرسلین و الائمة المعصومین، و أن اعداءهم اعداؤ الله و اعداؤ رسوله و امنائه الطیبین الطاهرین.

اما آنچه ندارم پس لا بعدّ و لا یحصی است، و نطاق حساب از احاطه به آن قاصر است، چه از دنیا مالی فراهم نکرده‌ام با آنکه مال بسیار به دست آمد.
و قد علم الاقوام لو أن حاتماً اراد ثراء المال كان له و فر گفتند جهاننداری اسباب جهان دارد گفتم نبود ما را چیزی چه زیان دارد اما آنچه دارم از این قرار است:

قرض موافق آنچه در محلی دیگر ثبت است. و لکن امیدوار از خداوندم که قبل از وفات من قروض من ادا شود؛ زیرا که مکرّر مقروض شده‌ام و من حیث لا احتسب خداوند ادا فرموده است.

از اولاد، یازده نفر چهار پسر و هفت دختر.^{۱۲}
یک پسر مسمی به آقا حسین و یک دختر مسماة به بلقیس خانم از صبیبه کبری مرحوم حاج میر محمد علی که وفات کرده است.
و دو پسر مسمی به آقا احمد و آقا علی، و پنج دختر: آغا بیگم، و صدیقه خانم، و ربابه خانم، و هاجر خاتون (وفات کرد) و رقیه خانم از صبیبه صغری آن مرحوم.^{۱۳}
و یک پسر مسمی به آقا مهدی. و یک دختر مسماة به خانم تاج از صبیبه مرحوم

حاجی ملا محمد علی ولد مرحوم آقای ملا مهدی نراقی معروف به آقای بزرگ ولد محقق نراقی آقای ملا مهدی نراقی اعلی الله مقامه است.^{۱۲} و دوازده فرزند از این سه عیال فوت شده‌اند ان شاء الله برای من فرط و ذخر خواهند بود.

باغ فین با عمارت آن که مرحوم آقا سید هاشم به من بخشیده بود حقیر آنها را وقف نمودم بر حضرت سید الشهداء، تولیت آنها با خودم، و بعد از وفات، تولیت باغ را واگذار نمودم به آقا احمد و آقا علی که خود روضه بخوانند یا به غیر بدهند، و ثلث منافع هر يك با متولی است نسلاً بعد نسل (مخفی نماند که منافع باغ مزبور را از غره جمادی الاولی سنه ۱۳۳۱^{۱۵} صلح نمودم به آقا سید فخر الدین تا سی سال شمسی هر سال، بیست من آرد گندم و ثلث حاصل انار، لکن این صلح به تراضی طرفین فسخ شد). دكاكين پای بيك^{۱۶} که الحال مخروبه شده است اگر کسی تعمیر کند منافع آن باید صرف روضه شود؛ زیرا که وقف است بر سید الشهداء و تولیت آنها با آقا حسین باشد.

دكان علافی مشهور به دكان ده باشی وقف است برای شمع فانوس امام مسجد میرزا مقیم که حقیر در آن نماز می‌کنم تولیت آن بعد از وفات من با آقا حسین باشد. هیجده جریب زمین وقفی مرحوم حاجی میرزا عبدالباقی که تولیت آن با من است با آقا حسین باشد، موافق وقف نامه عمل شود.

نیم دانگ از حمام دروازه را وقف نمودم بر حضرت سیدالشهداء و تولیت آن با خود من است و بعد از وفات با آقا حسین است نسلاً بعد نسل با ارشد اولاد ذکور او و پنج دانگ و نیم او را حاجی رضا خباز از صاحبانشان خرید و وقف نمود، و تولیت آن با خود او می‌باشد، و بعد از او با امام مسجد میرزا مقیم است موافق آنچه در سنگ کنده شده است.

نیم طاق آب آب انبار شهره چون خالصه است مصرفش فقراء است و آن را به تصرف آقا احمد و آقا علی و آقا محمد^{۱۷} بدهند و چون اهل محله آن را آب نکنند صرف انبار نمایند و آب وقفی آن معلوم نیست که در دست کیست.

يك باب خانه که از ورثه مرحوم حاجی محمد حسین عطار به اینجانب منتقل شده است سه دانگ آن مختص شده است به آقا احمد که به او منتقل کردم و او جزء صدق

عیال خود کرد... و سه دانگ دیگر آن خانه از آقا علی و آقا محمد است و اطاقی که در خانه مرحوم حاج میر محمد علی از زهرا خانم منتقل به من شده است اختصاص دارد به (والده ظ) خانم تاج... دیگر او را از بابت مهر و غیره حقی بر من نیست مهمانخانه که از حاجی خریدم دوباره به او فروختم از مال او می باشد.

و دست تحتانی از خانه مسکونی خودم اختصاص دارد به والده آقا مهدی از بابت مهرش، و دیگر او را از بابت مهر و غیره حقی بر من نیست و لکن او قدری از این دست را مهر عیال آقا مهدی کرده است موافق مهرنامه.

و بالا خانه که از آقا علی اکبر همسایه خریدم و واگذار نمودم به والده آقا مهدی و قباله به اسم او نوشته شده است و پولش را خودش داده است دخلی به من ندارد.

و دست مهمانخانه را واگذار نمودم به خانم بلقیس از بابت حقوق ارثیه خانم بلقیس از والده اش و دیگر حقی ندارد.

يك باب خانه انتقالی از ورثه حاجی محمد را واگذار نمودم به آقا حسین دیگری را در آن حقی نیست.

چاله... زباله ظ که در عقب باغ میرزا حسین است در بیرون دروازه اصفهان واگذارم به خانم رقیه صبیحیه.

کتب وقفی که تولیت آنها با اعلم علمای این بلد است بدهند به هر کس که اعلم باشد.

کتب وقفی که متولی آن معلوم نیست بدهند به مجتهد ثابت الاجتهاد.

و کتب حبسی مرحوم حاج سید حیدر بعد از انقضای مدت حبس از مال آقا حسین است و بعد از وفات من بدهند به دست او.

کتب وقفی که بخط مرحوم حاجی میر محمد علی است خواه فخری^{۱۸} و خواه مجلد بدهند به آقا حسین.

کتب وقفی مرحوم آقا ملا مهدی باید برسد به دست اعقل و ارشد از نبیره های او. و غرض آن است که سعی کنند که تصرف خلاف شرع در کتب وقفیه و حبسیه نشود و کسی آنها را نفروشد.

اما کتب مملوکه این احقر باید کما فرض الله ما بین ورثه قسمت شود و ثلث قیمت آنها صرف مقبره من شود (و چون برای مرحوم آقا سید محمد مقبره ساخته شده

است مرا در آنجا دفن بکنند جزء تعمیر آن بنمایند).

و اگر ان شاء الله در مشاهد مشرفه وفات کنم که نعم المطلوب، در همانجاها مرا دفن نمایند، و چون در هر بلدی دیگر که اجل رسید در همانجا مرا دفن نمایند معجلاً، چه حقیر حمل نعش را جایز نمی‌دانم مطلقاً، و چون در کاشان وفات نمایم در دشت افروز (در زمین وقفی حاجی عبدالعزیزی که در تصرف من است و وقف است بر قبرستان، به این معنی که باید اموات در آن دفن شود، در صورت احتیاج مرا در زمین مهر که میت در آن دفن نشده باشد دفن نمایند و چهار طاقی بسیار مختصر در آن ساخته شود از ثلث قیمت کتابهای مملو که من).

و اگر کتابی از غیر نزد من باشد به این معنی که داخل کتابهای مرقومه سابقه نباشد به صاحب آن رد نمایند و کتبی که از من نزد غیر است مثل کتاب «لباب الالقباب» و رساله «الاستغناء فی الغناء» و «شرح زیارت عاشوراء» که در نزد آقا شیخ حسن بختیاری است در اصفهان (این دو کتاب را از اصفهان آوردند دیگری مطالبه شود) و کتاب شرح دعوات که در نزد آقا شیخ محمد محلاتی است در محلات که برای استنساخ گرفته‌اند مطالبه شود (نسخه‌ای که در محلات هم بود آوردند مطالبه نشود من).

و کتب مؤلفه خودم که به خط خودم هست و نسخه اصل است وقف نمایند و به هر کس که بخواهد استنساخ کند بدهند، و تولیت آن با آقا حسین است نسلاً بعد نسل تا از میان نرود چنانکه بسیاری از آنها چنین شده است.

و نسخه تذکرة الشهداء در نزد میرزا علی محمد خان تفنگدار باشی است که در باد، (ظ) ^{۱۱} برای چاپ برده است انشاء الله اگر چاپ شد فنعنم المطلوب، و الا اصل کتاب گرفته شود.

و جزئی اناث الدار که در منزل والده آقا مهدی است از او می‌باشد کسی از او مطالبه نکند.

و جزئی اناث الدار که در خانه والده آقا احمد است از او می‌باشد کسی از او مطالبه نکند.

حاصل آنکه بعد از وفات من ترکه از من نخواهد بود که ورثه قسمت کنند مگر کتابهای مملو که مرقوم شده است و محل حاجت من بوده است. و در دنیا تعلقی به هیچ نداشته‌ام مگر به آنها، در این تاریخ نه آبی دارم و نه ملکی، و نه مزرعه‌ای و نه دکانی،

و نه طلائی و نه نقره‌ای، و نه اسباب خانه؛ زیرا که:

جهان و هر چه در آن است هیچ در هیچ است

هزار مرتبه این نکته کرده‌ام تحقیق

و در این مدت که در دنیا بوده‌ام خورده‌ام و آشامیده‌ام و پوشیده‌ام، و خداوند مرا
و نگذاشته است، و تعلق احدی را نگفتم، و طمعی به احدی نداشته‌ام و از کسی
خواهشی برای خود نکرده‌ام، و آزاری به کسی نرسانیده‌ام اگر چه بسیاری از روی حسد
و کینه بی جهت مرا اذیت کرده‌اند به زبان در غیبت من، و لکن تا بحال برای احدی از
مسلمانان بد نگفتم و غیبت احدی را نکرده‌ام.

گر چه خلقان جهان آزار ما جویند لیک

ما خودآزاریم ما را با کسی آزار نیست

بلکه زبان حال من همیشه به این شعر مترنم بوده است:

صلح کل کردیم با کل بشر گو به ما خصمی کن و نیکی مکن
در شهر شوال سنه ۱۳۳۰ ق خانه مخروبه از ورثه آقا میرزا آقا خریدم به بیست
و هفت تومان و وجهش را دادم برای اصطبل الاغ، از آقا علی و آقا محمد است.

و چون من وفات کردم مرا در کوچه و بازار نگردانند، چه در زندگی همیشه طالب
خمول، و از شهرت نفور و ملول بوده‌ام، در مردگی نیز نمی‌خواهم خود را بنمایم، مرا در
حمای نزدیک غسل دهند به تعلیم کسی که مسأله دان باشد، و در دشت افروز در زمین
مزبور بعد از نماز معجلّاً دفن نمایند به نحو مسطور، قبری در مقبره مرحوم آقا سید محمد
برای خود کنده‌ام در همانجا دفن کنند.

و مخفی نماند که اطاق مهمانخانه مرحوم آقا سید محمد که به ازای بیست تومان
از مهر خانم تاج به او دادم حقیر از او خریدم به همین وجه و تعمیر کردم و وجهش را به
خودش دادم از آقا علی و آقا محمد است.

آنچه اجاره داده‌ام الی پنجاه سال به حاجی میرزا حسن و حاجی میرزا حسین
دیزچه‌ای از آقا احمد و آقا علی و آقا محمد است.

و زمین‌هایی که در اجاره حاجی آقا صادق و آقا باقر علی اکبر است از آقا احمد
و آقا علی و آقا محمد و والده آنهاست، و هر ساله دو من جو از اجاره می‌دادم و می‌دهم

به صبیبه مرحوم آقا سید هاشم البته بعد از فوت من هم باید بدهند.
و چهل تومان که از حاجی اسماعیل پسر آقا غلامرضا می‌خواهم اگر وصول شد
تا هستم و الا بدهد به آقا علی و آقا محمد.
و دو دانگ از حمام قاضی که سردار جنگ ماشاءالله خان اختیارش را به من
وا گذاشته وقف نمودم بر سید الشهداء (ع)، و تولیت آن تا هستم با خودم می‌باشد، و بعد
از من با آقا احمد و آقا علی است نسلاً بعد نسل من الذکور.
کتابخانه ظ سمت مهتابی ملکی منتقل کردم به خانم تاج در عوض طلب او از
خانه مرحوم حاجی میر محمد علی.

این بود وصیت نامه يك روحانی عظیم القدر، که سالهای متمادی از بزرگان و
رؤسای روحانیت شهری مانند کاشان بوده است. آیا زهد و بی‌علاقگی به دنیا و مادیات
را در این وصیت نامه لمس نمی‌کنید؟

آیا عزت و عظمت و توجه به خدا و معنویات در زندگی این قبیل اشخاص
محسوس نیست؟ آیا نباید سیره این بزرگمردان برای روحانیت عزیز و همه متدینان و
علاقمندان به مکتب اسلام و تشیع اسوه و سرمشق باشد.

اصولاً نگارش شرح حال علما و دانشمندان بیشتر برای بیان ابعاد سازنده زندگی
آنان است تا دیگران هم درس بگیرند و از تجربه‌های گذشتگان بهره‌مند گردند و انسانیت
خود و ارزش والای خود را به هر ثمن بخش نفروشند.
در پایان نکته دیگری را باید یادآوری کنم و آن اینکه:

از ویژگیهای مرحوم ملا حبیب الله کاشانی این بوده که از گناه و گناهکاری مردم
بسیار رنج می‌برده و حساس بوده است، و عقیده‌اش این بوده که عالم باید امر به معروف
و نهی از منکر کند، و در مقابل گناه و گناهکار و ستم و ستمگر عکس العمل نشان دهد،
و اگر می‌بینید ایشان از اهل زمان خود و از اهل کاشان و احياناً از برخی از روحانی‌ها
مکرر در مکرر گله می‌کند در همین راستا است یعنی با اینکه مردم کاشان در طول تاریخ
مذهبی و شیعه بوده‌اند اما مرحوم ملا حبیب الله به این مطلب قانع نبوده بلکه توقع داشته
که عامه جمعیت و بخصوص مردم کاشان و روحانیون عزیز آن متدین واقعی باشند و به
احکام خدا احترام کنند و با گناه و ستم و گناهکار و ستمکار مبارزه نمایند و در این راه
یکدیگر را کمک کنند و چون متأسفانه این طور نبوده‌اند و یا لا اقل در این مسیر قدمهای

مؤثری بر نمی‌داشته‌اند مورد بی لطفی ملا حبیب الله بوده و گاهی در نثر و نظم از آنها انتقاد کرده است که خود این انتقادات گواهی است بر دلسوزی و تدبیر آن مرحوم رحمه الله علیه.

پاورقی‌ها

- ۱ - علامه طهرانی در ذریعه، ج ۲۵، ص ۱۹۴ گوید: امضاء صاحب منهج الصادقین یعنی ملا فتح الله کاشانی را چنین دیدم: این شکر الله فتح الله الشریف. [به کسی که مادرش سید باشد شریف گفته می‌شود].
- ۲ - این مطلب در لباب الالقباب ملا حبیب الله آمده، ولیکن به نظر می‌آید این تلمذ - اگر محقق باشد - در کربلا بوده است نه قزوین؛ زیرا صاحب ضوابط و حوزه درسش در کربلا بوده، مگر سید ابراهیم دیگری غیر از صاحب ضوابط منظور باشد، و یا صاحب ضوابط در خلال سالهایی که در کربلا بوده، چندی به قزوین آمده باشد. والله العالم.
- ۳ - این فرزند ملا مهدی نراقی چون پس از رحلت پدر به دنیا آمد نام پدر بر او گذاردند و به آقا کوچک معروف شد و سپس به آقا بزرگ.
- ۴ - مقدمه مغانم المجتهدین ملا حبیب الله به قلم حاج سید عزیز الله امامت (نواده دختری ملا حبیب الله) ص ۱.
- ۵ - لباب الالقباب، ص ۶۱.
- ۶ - بنا بر این کسانی که مادر ملا حبیب الله را صبیبه حاج سید حسین دانسته‌اند اشتباه کرده‌اند، مادر او بنت میرزا حبیب الله معروف به میرزا بابا حسین ابن میرزا رفیع الدین حسینی است به ص ۶۱ و ص ۱۱۷ لباب رجوع شود.
- ۷ - لباب الالقباب، ص ۱۱۷.
- ۸ - و سال اول سلطنت ناصرالدین شاه قاجار.
- ۹ - همان که اجازه او به سید مهدی قزوینی در ذریعه ۱۶۳/۱ یاد شده.
- ۱۰ - متن اجازه مرحوم نراقی و سید محمد تقی به آقا سید حسین در آغاز کتاب جامع الاحکام المسمی بالرسالة الشکیة تألیف ملا علی مدد ساوجی چاپ شده است، ص ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۴.
- ۱۱ - متن اجازه آقا سید حسین به ملا حبیب الله مورخ ۱۲۹۷ق در آغاز همان جامع الاحکام ص ۱۴ چاپ شده است.
- ۱۲ - این عالم بزرگوار در اواخر عمر در طهران ساکن شد او و پسرش حاج سید مصطفی کاشانی (پدر آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی) در المآثر والآثار اعتماد السلطنه یاد شده‌اند.
- ۱۳ - لباب الالقباب، ص ۷۹ و ۱۵۰.
- ۱۴ - و اندرمان قریه‌ای است از قرای ری نزدیک مزار حضرت عبدالعظیم علیه السلام.

- ۱۵ - المآثر و الآثار، ص ۱۵۳.
- ۱۶ - روشن است که مقصود از خواندن رسائل، فصول، قوانین نزد این قبیل اساتید بزرگ خواندن سطح آن مانند زمان ما منظور نیست بلکه این درسها به منزله درس خارجهای زمان ما بوده است.
- ۱۷ - گنجینه دانشمندان رازی، ج ۴، ص ۶۱۴.
- ۱۸ - المآثر و الآثار، ص ۱۵۸.
- ۱۹ - تذکرة القیور با تصحیح و تکمیل آقای مهدوی چاپ دوم، ص ۲۱۵.
- ۲۰ - وی از علمای بزرگ یزد و در سال ۱۲۵۷ق از سوی دولت وقت به تهران احضار و حبس شد و بخشی از تألیفات او در همین ایام زندانی بودن نگارش یافته است و پس از آزاد شدن از زندان، مدرسه خان مروی را به او تفویض کردند و در سال ۱۲۶۸ق از دنیا رفته است. به اعلام الشیعه قرن ۱۳، ص ۲۰۷ و الذریعه، ج ۵، ص ۲۶۹ رجوع کنید.
- ۲۱ - لباب الالقب، ص ۱۵۱.
- ۲۲ - تاریخ حکما، ص ۷۴ و ۱۲۱.
- ۲۳ - اعلام الشیعه قرن سیزدهم، ص ۵۸۷.
- ۲۴ - المآثر و الآثار، ص ۱۴۶.
- ۲۵ - لباب الالباب، ص ۱۰۸.
- ۲۶ - چاپ هشت جلدی، ج ۳، ص ۱۱۶.
- ۲۷ - مجموعاً به ده سال نرسیده است.
- ۲۸ - مشاهیر کاشان، ص ۹۷، و خاتمه کتاب نخبة المصائب ملا حبیب الله به قلم حاج شیخ محمد شریف آیت الله زاده کاشانی.
- ۲۹ - مشاهیر کاشان، ص ۴۳.
- ۳۰ - سیمای هلال بن علی، ص....، مشاهیر کاشان، ص ۱۰۱ و فهرست کتابهای خطی کتابخانه امام زاده محمد هلال آران نوشته رضا استادی که در مجله میراث جاویدان چاپ شده است.
- ۳۱ - گنجینه دانشمندان رازی، ج ۶، ص ۲۵۳؛ مشاهیر کاشان، ص ۵۷.
- ۳۲ - خاتمة الطبع کتاب شرح دعای سحر ملا حبیب الله، ص ۸۱.
- ۳۳ - مقدمه کتاب مفتاح النجاح فی شرح دعاء الصباح ملا عبدالرسول مدنی و کتاب فروغ فقاہت در شرح حال آیت الله حاج آقا رضا مدنی.
- ۳۴ - گنجینه دانشمندان رازی، ج ۳، ص ۵۲۹؛ و مشاهیر کاشان، ص ۱۰۳.
- ۳۵ - گنجینه دانشمندان، ج ۶، ص ۲۶۲؛ و مشاهیر کاشان ص ۲۱.
- ۳۶ - فروغ فقاہت زندگینامه آیت الله مدنی.
- ۳۷ - مقدمه ذریعة المعاد ملا حبیب الله به قلم نواده دختری او حضرت آقا سید عزیز الله امامت، ص ۷.
- ۳۸ - در مقدمه کتاب منتقد المنافع ملا حبیب الله که ظاهراً به قلم حضرت آقای حاج سید عباس کاشانی باشد ده نفر دیگر به عنوان تلامیذ و رواة ملا حبیب الله یاد شده اند و همچنین در شرح حالهای دیگر، چند نفر جز آنها که ما یاد کردیم ذکر شده است. البته روشن است که تعدادی از این بزرگواران که ما ذکر نکردیم فقط

از مرحوم ملا حبیب الله اجازه روایت یا اجتهاد گرفته‌اند نه اینکه شاگرد او باشند. مانند حاج سید مصطفی کاشانی که همدوره خود ملا حبیب الله بوده و بسیار بعید است نزد او درس خوانده باشد بلکه ظاهراً هر دو با هم نزد پدرش سید حسین درس می‌خوانده‌اند و الله العالم.

- ۳۹ - رك: ذریعه، ج ۷، ص ۲۷۱ و ج ۱۱، ص ۶۷.
- ۴۰ - رك: ذریعه، ج ۲۶، ص ۲۰۹.
- ۴۱ - رك: لباب الالقاب، ص ۳۴.
- ۴۲ - رك: همان، ص ۵۱.
- ۴۳ - رك: ذریعه، ج ۴، ص ۳۳۵؛ فهرست كتب عربی چاپی مشار.
- ۴۴ - رك: ذریعه، ج ۴، ص ۳۴۱؛ فهرست مشار.
- ۴۵ - رك: ذریعه، ج ۷، ص ۲۷۱؛ فهرست مشار، ص ۹۵.
- ۴۶ - رك: فهرست مشار؛ ذریعه، ج ۸، ص ۹۸.
- ۴۷ - رك: ذریعه، ج ۱۱، ص ۹۷؛ فهرست مشار.
- ۴۸ - رك: ذریعه، ج ۷، ص ۲۷۱ و ج ۱۰، ص ۱۶۱؛ فهرست مشار.
- ۴۹ - رك: لباب الالقاب، ص ۴.
- ۵۰ - رك: همان، ص ۹۵.
- ۵۱ - رك: همان، ص ۱۱۴.
- ۵۲ - ذریعه، ج ۱۴، ص ۲۸۲.
- ۵۳ - لباب الالقاب، ص ۸۹.
- ۵۴ - رك: ذریعه، ج ۲۱، ص ۸۷؛ فهرست مشار.
- ۵۵ - رك: ذریعه، ج ۲۳، ص ۴؛ لباب الالقاب، ص ۸ و ۵۰.
- ۵۶ - رك: ذریعه، ج ۲۵، ص ۸۴؛ فهرست مشار.
- ۵۷ - به مقدمه كتاب لباب الالباب به قلم آیت الله حاج سید ابوالقاسم کاشانی رجوع شود.
- ۵۸ - فهرست تألیفات خود را در جزوه‌ای نوشته است که آثار خط او را تا سال ۱۳۳۰ دارد.
- ۵۹ - لباب الالقاب، ص ۱۵۳.
- ۶۰ - به معجم مؤلفات الشیعه حضرت آقای قاتینی رجوع شود.
- ۶۱ - به مجموعه اشعار ایشان که به نام تشویقات السالکین چاپ شده رجوع شود.
- ۶۲ - این نصیحتنامه در پایان منتخب قوامیس الدرر ملا حبیب الله چاپ شده است.
- ۶۳ - اعلام الشیعه قرن چهاردهم، ص ۳۶۰.
- ۶۴ - ریحانة الادب، چاپ هشت جلدی، ج ۵، ص ۲۰.
- ۶۵ - لغت نامه، ج ۳۷، ص ۱۸۴.
- ۶۶ - مصفی المقال، ص ۱۲۰.
- ۶۷ - فهرست کتابخانه آستان قدس ۴/۴۷۲.
- ۶۸ - اعیان الشیعه، چاپ ۱۰ جلدی، ۴/۵۵۹.

- ۶۹ - خاتمه لباب الالقباب، ص ۱۵۹.
- ۷۰ - مقدمه کتاب مغانم المجتهدین، ص ۱.
- ۷۱ - مقدمه ذریعة المعاد، ص ۲.
- ۷۲ - خاتمه نخبة المصائب، ص ۱۱۰.
- ۷۳ - خاتمه کتاب احسن التراتیب ص ۹.
- ۷۴ - همان، ص ۱۰.
- ۷۵ - مقدمه جامع الاحکام ملا علی مدد ساوجی، ص ۷، به نقل از کتاب عندبیل ایشان.
- ۷۶ - مقدمه جامع الاحکام، ص ۱۴.
- ۷۷ - چاپ دوم یا سوم آن.
- ۷۸ - از قرائتی استفاده شده که این مقدمه به قلم ایشان است.
- ۷۹ - ایشان از زندگانی شمس العرفا نقل کرده است.
- ۸۰ - هنگام نگارش این مقاله این کتاب در اختیار نبود.
- ۸۱ - چاپ کتابفروشی معراجی تهران خیابان ناصر خسرو.
- ۸۲ - چاپ اول، ص ۷۵.
- ۸۳ - ج ۶، ص ۲۵۰.
- ۸۴ - لباب الالقباب، ص ۱۵۱ - ۱۵۲.
- ۸۵ - همان، ص ۷۹.
- ۸۶ - همان، ص ۱۰۶.
- ۸۷ - متن این اجازات را در برخی از آثار والدشان که به همت ایشان چاپ شده می‌توانید ببینید مانند خاتمه شرح دعاء السحر.
- ۸۸ - این ماده تاریخ برای نوشتن زیر عکس ملا حبیب الله سروده شده است.
- ۸۹ - ظاهراً ضریح قبرش در سال ۱۳۴۰ شمسی ساخته شده.
- ۹۰ - کتابهایی که در این شانزده فصل ذکر شده به علاوه تألیفات خود ایشان حدود هزار جلد است که شامل نوع کتابهایی که برای يك فقیه و مؤلف کتابهای دینی لازم می‌باشد هست پس ایشان بحمدالله از حیط مصادر و ابزار کار نسبت به وضع زمان خود در تنگنا نبوده است.
- ۹۱ - یعنی خاتمه رساله فهرست.
- ۹۲ - در این تاریخ پسر پنجم یعنی حاج آقا محمد شریف آیت الله زاده کاشانی هنوز به دنیا نیامده بود.
- ۹۳ - یعنی حاج میر محمد علی.
- ۹۴ - بیت ملا حبیب الله با بیت تراقی از اینجا ارتباط پیدا می‌کنند.
- ۹۵ - از این عبارت معلوم می‌شود که تا سال ۱۳۳۱ ق در وصیت نامه دخل و تصرف می‌کرده‌اند.
- ۹۶ - از محلهای معروف کاشان بوده که اکنون به پاپک معروف است.
- ۹۷ - در این تاریخ آقا محمدهدیه دنیا آمده بود تولد ایشان ظاهراً ۱۳۲۹ ق است.
- ۹۸ - یعنی بدون جلد مقوایی.
- ۹۹ - اسم روستایی است.